

ترجمه از روزنامه (واقی بلات) منطبعة لاهی  
( ۲۵ می مطابق ۱۶ شهر صفر ۱۳۲۰ )

دیروز جناب میرزا صمد خان ممتاز السلطنه وزیر مختار ایران با ترین [ کپرس ] حازم پاریس شد برای معظم‌الیه درترین مذکور [واقون] مخصوص میباشد بود تائب سفارت ایران بامترجم سفارت و چند نفر دیگر جناب وزیر مختار را معایبت کردند

بعد از چند روز اقامت میرزا صمدخان در پاریس همین صکه اردوی اعلیحضرت پادشاه ایران وارد ( کولطریکمویل) شد بر حسب احضار و لیمت تاجدار خودش با تبحر رفته شرفیابی حاصل نمود

در این قلیل مدت اقامت معزی‌الیه در (لاهی) تاندازه این دیپلمات محترم ایران در تزیاد شئونات مملکت خود و مراودات دولتیین اهتمام کرده یقین داریم که در این سفر شرفیابی حضور اعلیحضرت پادشاه ایران و ملاقات اولیای دولت مقبوعه خود نیز بر مراتب یگانگی دولتیین هولاندو ایران خواهد افزود این نماینده محبوب القلوب شاهنشاهی را سفر بخیرباد در غیاب جناب ممتاز السلطنه تائب سفارت ایران در لاهی سفارت مذکور را بسمت (شار ژو اقری) اداره خواهد کرد

ایضاً

ترجمه از روزنامه مزبور ۲۷ می مطابق  
( ۱۸ شهر صفر المظفر ۱۳۲۰ ) --  
( سفارت دولت ایران در لاهی )

دوروز قبل عزیمت پاریس وزیر مختار ایران را نوشته ایم دیروز برای تحصیلی اطلاع از تاریخ ورود به برلن اعلیحضرت پادشاه ایران بسفارت بدیدن (مسیو ورسل) مترجم سفارت رقم مشارالیه چون نتوانست برسؤالهای من جواب صحیح بدهد مرا نزد تائب سفارت برد این دیپلمات با کمال مهجانی مرا قبول وجوابهای لازمه را داد وضع وقتسار نازکانه مفارالیه با من بر جسامتم افزود خواهش کردم که همارت سفارت ایران را بمن امان بدهد

سفارت ایران واقع در کوجه با شکوه (زابدون هوف) ما از بهترین خانه است صکه چند سال قبل اعلیحضرت پادشاه ایتالیا را در این پای تخت در همانخانه منزل داده بودند سفارت ایران را که تازه هم تمین

بخوبی میدانند هر دولتی که میخواهد رک حیات روس را بکشد ازین نقطه هجوم خواهد آورد و این راه آهن واک مهم‌ترین خط عسکری است خواهد خراب ساخت پس هجیات سیاسی دولت روس بر ایران از دو نقطه مهم واقع میشود . خراسان . و خلیج فارس . و این است مقاصدی که در نظر دارد اکنون اگر میخواهد آمال سیاسی دولت انگلیس را درحق ایران بخوبی به فهمید و بدانید هیچ قلمی آنرا بهتر از بیاناتی که (لارده سالمبری) درسال (۱۸۸۹) بمناسبت سیاحت شاه شهید مغفور بلندن اظهار داشته بود اما نتواند کرد . این است ترجمه آن مقال ( ما انگلیسان پولتیک اعلیحضرت هایونی را هرگز در نظر خود دور نمیداریم . ما از روی جد و اخلاص خواهانیم که دولت ایران نائل ترقیات مال‌العمال گردد . ما بلندترین درجه سعادت را که در امکانست خواه در باره فات اقدس هایونی و خواه در باره تبعه ایرانی طالب هستیم امیدواریم که وسائط نقل و مخایره با اقطار خارجی که درین عصر شرط سعادت ملل است در خاک ایران روز بروز بیشتر شود و ما آرزو داریم صکه دولت ایران نه تنها مسعود باشد بلکه میخواهیم ایران دوابی قادر شود قادر در اداره کشوری قادر در تجهیزات لشکری و قادر بر اتفاقات سیاسی گردد تا بتواند در راهی که امن و آسایش خود را در آن یافته باندیشه پیش رود . باید مهمان نامدار ما مطمئن باشد که اگر میخواهیم روابط سیاسی و تجارتی در میان ما و ایران جایگیر شود مقصود ما ازین استحصال امتیازی مخصوص نیست و نخواهد بود . . .

ما بر ایران تکلیف چنان دوستی نمیکنیم که طاقت آن منجر بجدال و جنگ شود ما در ایران میخواهیم آن آثار علم و صنعت را به بینیم که فوائد آنها شامل بر تمام جهانیانست آثاری که نفع آنها راجع نه بیک خلق است بلکه بر تمام اقوام روی زمین است ) پس از اقامت این دلایل روشن دیگر ممکن نیست که در نوع سیاست هر يك از دو دولت معظم همسایه شکی باقی بماند

راهی بسوی طاقت خیر میرود  
راهی بسوی هارویه اکنون مخیری  
( حسین دانش )

کامل شده است از هر جهت ممتاز و مجلل دیدم همین که درب بزرگ سفارت باز و نظر به پله‌های مرمر سفید با فرشهای قرمز ایرانی و چهل چراغ فرنگی می‌افتد و بالای این پله‌ها از دو طرف درختهای بلند سبز خرم و کلم‌های کوناگون وجود مخصوص میدهد معلوم میشود که بجه سلیقه و تدبیر سفارت ایران را باین مطالب ترتیب داده اند که امروز وضع و تجمعات آنجا نمونه مجالس عالی پایتخت ما شده است تمامی درب دیوار راه رو پله‌های ایستگاه سه مرتبه با رنگ سفید روغنی با سلیقه کامل رنگ و با انواع اقسام تجمعات مزین شده است. در دهلیز روشن مربع وسط عمارت چندان منتظر قدم که نایب سفارت در اطاق طرف راست که مخصوص خودش است مرا با کمال مهربانی پذیرفت در این اطاق که کاغذ دیوار و فرش آن قرمز و پرده‌های مخمل سبز و در وسط آن جار قشنگی است میز تحریری گذاشته شده و در مقابل آینه بزرگ بخاری نقشه مربع سه متری ایران نصب دیوار شده و واردین را متوجه این عمارت معظم قدیم کیان میکند روی دیوار دیگر هم همین نقشه را ولی کوچک تر با خطی که آشنا شود دیدم بعد معلوم شد که آنهم نقشه با خط ایران است در دیوارهای این اطاق عکسهای سفرا و وزرای ایران و بعضی نقاشیهای دیگر نصب شده روی بخاری هم غیر از ساعت بزرگ اشیاء قشنگ ایران هم بود دستگاه تیلیفون سفارتهم در این اطاق است

رو بروی همان اطاق اطاق تحریر سفیر ایران است هرکس داخل این اطاق شود فوراً استنباط خواهد کرد که نماینده پادشاه ایران به هنر طبیعی و علوم سیاسی خود سلیقه اروپائی مکتبی هم ضم کرده است بعلمت غیاب وزیر مختار درب پنجره‌های این اطاق را بسته بودند همین که باز شد بجلوه تجمعات آن افزود دو آفتاب بزرگ این اطاق تحریر رو به کلخانه و شش پنجره انجام روبرو با پنجه بزرگ است که متصل به بارک دولتی میشود درختهای بزرگ و سرو صنوبر و انواع اقسام گل‌های باغچه و خیابانهای پر صنعت آنجا بر شکوه این اطاق عالی در این فصل بهار با اندازه افزوده که خارج از تصور است کج برپسای قشنگ سقف و

برده‌های (قویون) و در پله‌های سفید ملبت کاری و رنگ خاکستری دیوار این اطاق با قالی ممتاز قرمز رنگ ایرانی به مبلمای سیاه آنجا رونق کاملی داده و انعکاس همه آنها در آینه که در رنگ و کار موافق مبلمای این اطاق تحریر است بوجود نگارنده می‌افزاید مبلمای این اطاق از چوب سیاه با صنعت کامل ملبت کاری شده و روی آنها از قیاج مخصوص مبل اطاق تحریر وزیر است که تماماً در لندن سفارش شده و (سلیس) (طرز) مبلمای هائری دوم پادشاه فرانسه است میز تحریر بزرگ وزیری و کتابخانه خیلی مرغوب با دستگیرهای قره همان رنگ و (متسل) است بواسطه صنعتی که در ساخت و منبت کاری آنها بخرج رفته است میشود آنها را از شاه کارهای صنایع انگلستان شمرد به محض ورود این اطاق اول نظر به تمثال پادشاه ایران که بپلرز مرغوب قاب گرفته شده در بالای سر نماینده محترم خود نصب است می‌افتد زیر عکس شاهنشاهی صورت حضرت اشرف والا ولیعهد ایران نصب شده در میان صورت و نقاشیهای زیاد عکس علیا ملکه و عکس سایر سلاطین و وزراء و سفارت‌های فوق العاده ایران دیده میشود از صنایع ایران نمونه‌های خیلی نفیسه در این اطاق هست من جمله قالیچه که رو بروی میز تحریر بدیوار نصب شده که صورت یکی از پادشاهان قدیم ایران را (نادر شاه) که جلوس کرده و وزیرایش ایستاده یافته اند که عقل از تصور صنعت آن حیران است زر دوزی و قلابدوزیهای ایرانی آنیک هم هست که جالب نظر دقت روی بخاری این اطاق که آنهم از مرمر سیاه است ساعت خیلی بزرگ هنیق که از صنایع قدیم فرانسه است گذاشته شده که در روی همان ساعت مجسمه یک نفر شرق زمین بالباس ملی با اسلحه قدیم آسیائی نصب شده که با مختصر دقت معلوم میشود که در ظرافت کار لباس و شمشیر و طپانچه و سایر آلات حرب آن چه صنعتی بخرج داده شده است در دو طرف این ساعت کلدانیهای (بور) (کارخانه مشهور فرانسه) در وسط آنها چراغهای عنیق ایام سلاطین روم گذاشته شده اند آل بومهای مسافرت بنال (۱۹۰۰) پادشاه ایران و تمثالهای مختلفه مظفرالدین شاه در این اطاق دلیل کمال پادشاه پرستی نماینده ایران است تمامی این مخلفات حتی چهل چراغ و بخاری این اطاق

پدرچه با هم الفت دارند که هیچ تقاضی بهتر از این ترتیب نتواند داد - در روی میز تحریر مشغول تماشای عکس وزیر اعظم و وزیر خارجه ایران بودم که در طالار بزرگ باز و پرده دیگر افتاد

( طالار بزرگ سفارت ایران )

در این طالار وسیع بغیر از قالی بزرگ که از کارهای قلمه ایران است تمامی مختلفات آن از میز و چهل چراغ و پرده و بخاری و سایر تجملات حق ملت و طلاکاری درب بجزه و پارچه‌های دیوار و کلدانها وغیره ( سیستل ) ( لونی ) شازدهم پادشاه قدیم فرانسه است این سالون سفارت رو به باغچه بطوری کامل و عالی ترتیب داده شده است که در هیچ يك از سفارتخانه ها تجملات و نظافت هم از این دیده نشده. درب و پنجره‌های بزرگ سفید عنایت مطلقاً فرش ایرانی و پرده حریر قرمز پارچه دیوار سبز و تمامی جلیها هم از نیمکت و صندلی و میزها تماماً مطلقاً و از سرآمد کارهای پاریس است ( باقی دارد )

شبه از حالات تاریخی مسلمانان

( مجمع الجزائر ( میلی ) )

حالات تاریخی مسلمانان چین را آنچه از کتب حوتمه اخذ شده بود بطریق اجمال ذکر کرده اینک میخواهم شبه از کوائف مسلمانان مجمع الجزائر (میلی) که غالب مسلمانان از آنها بجز اند بیسان نمانم چه مقصود ما تکارش تاریخ نیست بلکه اطلاع اسلامیان از برادران اسلامی خودشان است و نیز این امر ظاهر نمود که در بلاد کفر اسلامیان بجه زحمات طاقت فرسا مذهب خودرا تکمیل داشته و در اشاعه دین مقدس اسلام جافشانی نموده اند (این بطوطه) نیز در سیاحت نامه خود مختصری از حالات اسلامیان مجمع الجزائر (میلی) نوشته ازین معلوم میشود که در سیاحت خود چند مقام محدود را دیده است

این بطوطه صرف حالات بعضی از اسلامیان جاوه و اطرافرا نگاشته از تاریخ شش صد سال قبل جزائر (میلی) سکه درباره اشاعه اسلام نوشته شده ظاهر میشود که طریق و سلوکی که دعاه اسلام برای ترویج مذهب خود اختیار نموده اند خیلی مهذبانه و دلچسب بوده است

تا زمانها سکوشتن دعاه اسلام در جزائر شرقی هند ظاهر است که بدو طریق بوده بدو در هر مقام با نهایت سرگرمی بقوه اخلاق بدون امداد والیان ملک در اشاعه اسلام ساهمی شده و در اکثر مواقع در برابر صدمات بزرگ بیداری کرده اند خاصه مخالفاتی که باشندگان اسپانیا نسبت بآنها کرده و آنان نیز مقابله سخت نموده اند با اینهمه مشکلات و کم و بیش کامیاب دعاه اسلام با نهایت استقلال و جافشانی مقاصد خودرا حاصل نموده و کارهای خودرا که نظر بمصلحت وقت ناتمام گذارده بودند رفته رفته خصوصاً درین زمان تکمیل نمودند - دیگر نجات اسلام خصوصاً نجات عرب در بدو امر متوجه باین جزائر شدند - در جزیره ( سماترا ) که از بندرهای مشهور بود هر بان جمع و باسم تجارت اشاعه دین و مذهب خود را مینمودند تا رفته رفته کار آنها در اشاعه مذهب بالا گرفت در سنه ( ۱۲۷۹ ) میلادی شاهزاده ( ملاکا ) با عده زیادی از رعایای خود بدین مقدس اسلام درآمد

سنه ( ۱۲۹۲ ) وقتی ( مارکوپولو ) در جزیره ( سماترا ) آمد تمام باغندگان ( براك ) در حوضه اسلام شامل شده بودند ولی دهات و قرات آن جزیره بمذهب بت برستی باقی بود در عرصه پنجاه سال این مذهب نورقیات نیان کرد در سنه ( ۱۴۴۹ ) که ابن بطوطه در ( جاوه ) که واقعت در شمالی ساحل جزیره ( سماترا ) رفت پادشاه آنجا را خدا پرست و حاکم دلسوز و رعایا پرور یافت چنانچه در توصیف پادشاه مذکور مینویسد

ذكر سلطان الجاوه - وهو السلطان الملك الظاهر من فضلاء الملوك وكرمائهم شافى المذهب محب فى المقهه يحضرون مجلسه للقراءه وهو حثيث الجهاد والغزوه و متواضع - يأتى الى صلوة الجمعة ما قبا على قدميه واهل بلاده شافية محبون فى الجهاد يخرجون معه تطوعاً وهم قلوبون على من يلهم من الكفار والكفار يعطونهم الجزية على الصلح

در ابتدای سنه ( ۱۵۰۰ ) سلطان ( لمبری ) بانجام رعایای خود مسلمان شدند آن زمان در جزیره جاوه جماعت متفرقه اسلام در مقامات مختلفه آن جزیره سکونت نموده در آنجا مستعمران جدید قائم نمودند ولی تا زواله

سلطنت (جلیلیت) ایام چندی بود این واقعه بزرگ که مطابق تاریخ جاوه سنه (۱۷۸۰) واقع شده عهد جدیدی درین جزیره پیدا شد بعد از آنکه سلطنت جاوه کاملاً یقیناً اقتدار اسلامیان بیرون آمد در عرصه قلیله یعنی سنه (۱۷۹۰) شاهزاده حایل القدر (آرائی) که بر تمام جزائر (باهره - وسرام - وایمیون - ولونیرد) فرمانروا بود بدین مقدس اسلام بیرون آمد همان زمان در جزائر (فلپائن) و جزیره (برنیو) امارت‌های اسلامی قائم شد اگرچه بعضی از آنها بعد از خروج قلیله از حلات اهالی اسپانیا معدوم شدند ولی بسیاری تا زمانه هذا بیکدرجه خود مختاریشان باقیست قبل از آفاق هزار و هفتصد عیسوی اسلام در جزیره (سلیدیز) اشاعت یافت در جزائر (مکاسر) و (بیوکس) اگر مسلمانان خود را نپرسانیدند دعاته عیسویه کار را از پیش برده بودند مذهب بت پرستی را ترک میگفتند مسلمانان آنها را از مذهب نصرانیت بازداشته بسوی خود کشیدند حال خوبست شمه از کاروان دعاته اسلام در مجمع الجزائر ذکر نمایم تا زمان مترضین اسلام بند شود و نکویند دین مقدس اسلام بزور شمشیر اشاعت یافته بلکه بدانند حقانیت اوجالب قلوب اهل عالم گردیده است باری این امر که کدام تاریخ دین مقدس اسلام در جزیره نمایی (مبلی) داخل شد تاریخ صحیح در دست نیست تا معلوم شود بجه اصول و بجه ذریعه اسلام وارد این جزیره شد - ولی این امر محل شبهه نمیباشد که بعد از بنیت یعنی اول اسلام تجار صرب اسلام را با خود درین جزائر آوردند چه این مسئله از روی تواریخ ظاهر است که همان قبل از اسلام هم در این جزائر مشغول تجارت بوده اند از تواریخ معتبره استنباط میشود که یکصد سال قبل از پیدایش حضرت مسیح تجارت جزیره سیلون در قبضه اقتار عرب بود در سنه هفتصد میلادی از سیلون باب تجارت عرب بچین باز شد و بکمال سرعت ترقی نمود در اواسط سنه هشتصد میلادی تجار عرب در مقام (کنپین) بکثرت جمع شده بودند از سنه هزار الی هزار و پانصد میلادی تا وقتیکه دولت پرتگیس بجزائر را متصرف شد همان در اطراف شرقی جزائر مذکوره به تجارت مشغول بودند تجارت (این بطول) را بجه

عاهد این مقال ذکر میکنیم  
 مدینه (هنور) بکسر الماء وفتح التون و سکون الواو  
 و راه و اهل مدینه (هنور) شافیه المذهب بهم سیاح  
 و دین  
 مدینه (منجور) بفتح الحیم و سکون التون و  
 فتح الحیم و فتح الراء و وار و راه (من بلاد ملیبار)  
 و بهساقض من الفضلا الکرامه شافیه المذهب یعنی  
 بدرالدین المعبری -

مدینه (قالقوط) به کسر لام و ضم القاف الثانی  
 و آخرها طاء وهی احد البنادر العظام ببلاد (المللیبار)  
 یقصدها اهل الصین والجاوه و سیلان والمهل و اهل  
 الین و فارس و یجتمع بها تجار الآفاق و مرساها من  
 اعظم مراسی الدنیا (باقی دارد)

حقیقت را نمی شاید نهنن

( شماره ۳ )

§ پس محقق آمد که حصول دوام سعادت و سلامت  
 هیئت مجموعه مربوط و محتاج است که هر یک از آن  
 بر حقیقت تمامی حلال یکدیگر آگاهی داشته باشند  
 در ترکیب این صورت که در بین دولت و ملت  
 دوری و تفرقه نباشد هیچ يك حق کم حقیقت حال را  
 از یکدیگر نخواهند داشت بلکه قانون شرع و بفتوای  
 عقل مجبورند از آنکه یکدیگر را بر حقیقت حالات  
 بیساکهانند و هر آنکه بخلاف این حقیقت سخن راند  
 بطور قطع و یقین دشمن دولت و ملت و دین و مذهب  
 است و بجهو هیئت مجموعه این ملت قدیم میکوشد  
 اینک اگر خرد نانا یارست و در آرزوی آن  
 میباشیم که دولت و ملیت ما هو نکرده بر طرفین واجب  
 و لازم است مطیع و مقید به احکام اینتعاذه طبیعی  
 بوده باشیم یعنی دولت محافظه فرماید و سایطی را که  
 با آنان میتوان از حقیقت احوال هموه کسب معلومات  
 تامه فرموده و بنابر آن به اصلاح مصالح عامه و ملک  
 به پردازد و اهالی را نیز از هرگونه حقایق امور آگاه  
 فرماید زیرا همینکه اهالی نیز بر مصالح همومه واقف  
 و آگاه گردیدند بر عهده حیت آنان فرض می آید  
 جهة حفظ دین و دولت و هیئت اجتماعیه خود  
 و ظائقه بر عهده آنان واردست همی را بالتام  
 سرعت هرچه تمامتر ایفا نمایند

افسوس و ضد ہر ازان افسوس کہ اسول استبداد و سوزہ ادارہ و غفلت ذولت از حال ملک و ملت و پختہ ملیت از حال دولت مارا بدین پایه تنزل داده کہ بقایین ما و هو یک خطوہ پیش باقی نماندہ

وطن عزیز ما کہ از برای اہل ایمان ازجان گرامی ترست لکن کوب بای نفس اجانب کرڈیدہ و ہر دم پرتیغہ از آنرا میریابند بطوریکہ نہ دولت بر آن آکاہست و نہ ملت۔ باید دولت از ہر کونہ تجاوز اجانب آکاہ باشد و ملت خود را بیآکاہاند تا اہالی بوظیفہ خود کہ فراموش نمودن جمیع ما بحتاج مدافعہ است عمل نمایند و بنا بہ ایجاب وقت بہ ہر کونہ فداکاری آمادہ شدہ حق حیات حاربت را در راہ بقای نام و سنک و حفظ وطن و نیک نامی جاوید فدا نمایند۔ و این تکلیف شامل نوع بشرست پس اگر درست اندیشہ ناہم خواہیم دانست کہ این فداکاری و جالبیاری در نخستین پایہ وظیفہ بزرگالست خواہ جسمانی و خواہ روحانی ہمیا چرا باید بزرگان خود را مستثنا بدارند و حال آنکہ بہرہ بزرگ اسمای وطن از شرف و ثروت و جاہ و جلال خاص آنالس پس بہمان پایہ و اندازہ ہم باید وظیفہ جان سپاری را در دفع دشمن و رفع مخاطرات را از وطن عزیز خاص خود بدانند

◀ جملہ معترضہ ▶

روزی مادر در مشہد مقدس در عمارت چارباغ نشستہ و بہ سمت خیابان چشم دوختہ بود پر رن دوستانی را دید با کمر حمیدہ و عصای در دست بدر سرای آمد و خواست داخل شود سرایبان مانع کردید آن سلطان رعیت نواز غیور یکی از ملازمین حضور را مقرر داشت رفتہ پیر رن را بحضور حاضر نماید پس از آمدن پیر رن فرمود چہ عرض داری بگو آن زن بمرض حضور رسانید بزی داشتم در صحرا ترکان بیخما برد تادر فرمود ہر عوض صد بز بہ او بدہند پیرہ زن آہی سرد از دل پر درد بر آورد و عرض نمود من جنبہ عوض خواستن بدآوری نیامدہام تادر فرمود پس منظورت چیست عرض کرد چون بر خود ہوا کردن نتوانستم کہ بز نو ترکان بر بز ہا تیرائی بر جہد بمرض شتافتم غیرت تادری طلوح نمود و امر داد کہ پیر رن را ہوشرای پذیرائی نمایند

فرمان بحرکت نمودن عسکر صادر فرمودہ و خودہ پارکاب حیت گزاردہ برتوسن شرف برآمد و ترکانان را احاطہ نمودہ و بز ضعیفہ را طلب فرمود حاضر نمودند و تضمینات لازمہ را اخذ کردہ بعدالمراجعہ بز ضعیفہ را بمین بہ او دادہ با صدراس دیگر و روانہ خانہ اش فرمود

از بدہیات اولیہ و برجیع ذری المقول روشن و ہوبداست کہ اہالی از اجزای سرکبہ دولت میباشند یعنی ہیئت مجموعہ یک ملت را دولت مینامند و رئیس آنان سلطانت۔ معلوم است شخص پادشاہ ہرکاہ برجیع احوال ملت واقف و آکاہ کردہ چون آفت و بلائی بہ اہالی توجہ نماید چنانست کہ بخود دولت توجہ نمودہ باشد و اثر بدولت توجہ نماید بملک و ملت توجہ نمودہ ناچار بچارہ کار میکوشند زیرا انکار این بدہی غیر ممکن و ہر فردی لابد از اطمینان است پس چگونہ میتواند خود را از این فداکاری مستثنا بدارد اگر چنین شخصی یافت شود ( در صورت آدمی دوایست ) او را آدم گفتن نشاید

وظایف مخصوصیکہ بوطن حق تعلق دارد و وطن محتاج است بہ ایضا شدن آن وظیفہ از جانب عموم ابناء وطن یعنی باید بدون استثنا فرزندان وطن آنوظیفہ را در عہدہ و ایضا نمایند نخستین آن استحصال سلامت و سعادت وطن است و غفلت و شوکت دولت و جلالت و بزرگی ارکان و تحصیل علم و اجہاد علما و اہماری و تزیناتہ ملک ہمگی محمول حیت عموم ابناء وطن است۔ ہمجا ذیشموری یافت تواند شد کہ از این وظیفہ مشروعه خود را مستثنا بدارد بل این استثنائات بیعی است کہ عموم را از زیور غیرت ماری ساختہ سہل است بلکہ ہیئت مجموعہ را بدلاہای حکوانگون مبتلا نمودہ بلکہ چنان می بندارد کہ در افعال و اہمال او احدی را حق اعتراض و ہم زدن نیست و نباید از کردہ او بیابکاء سرر سلطنت احدی عرض اشکا نماید۔ یکی خزائن دولت را بتاراج میدہد باز بر آن سرست کہ کسی را حق اعتراض و شکایت نیست دیگری ملک دولت و وطن عزیز ملت را در مقابلہ رشوہ و با بلکہ ریشخند و با بلکہ شرمی بخشد توقع ندارد کسی آواز بر آرد سہ دیگر مالکین و خزائن دولت را بختا بزدہد

وجهة ذخيره بيانكهاى اجانب ميسپاره و مخون معترض را هيا و هدر ميشماره كسى ديگر عساکر ايران را از پا در آورده و كم نام نموده و هر يست تژادى را در مقابل رشوة مال و يا جمال بدخواه مناسب بخشد و مخزن مهملت را تهي مى سكندارد و دلخواهش آفست كه كسى نتواند از در محالمت بر آيد مثلاً فيروزه رفت بفلاننى غم و كبد قابوس رفت به بهمدانش غم و اگر عساکر از ملبوس حريان و از سلاح تهي دست باشند نبايد بحث نمود بلى بسكه ما مردم ايران بد هدهابم بفدا آيه كريمه كه ميفرمايد ما از براي قومي تفيير لمت نميدهم مگر آنان تفيير در نفسهاي خود بدهند مستحق هدهابم زيرا وجهه ديانت را بكلي از دست داده و طرقة مسلماني را از كف نهاده ايم اينست كه منتقم حقيقي چنانچه وعده فرمود اينگونه بي حيتان را در درگاه دولت مقرب و بر ما امير ميفرمايد كه اين آثار هو هر ملت و قومي بوده و هست

اي علمای بزرگوار - اي جاننيان يقيم مختار در يوم الحساب در هنگاميكه آنحضرت شمارا مخاطب فرمايد شما كه در مسند شريعت من متمكن بوديد در ترويج شريعت و حفظ و حراست آئين و حوزه اسلام چرا كوتاهي نموديد و از راه و رسم ما انحراف جستيد و از جهاد و اجتهاد خود داري كرديد آيا کدام مراقبه را در راه دين نموديد و ملت و شريعت را از کدام مهلكه و خطر و سلمه رها نموديد چه پاسخ خواهيد داد مگر اين حديث شريف را از خاطر برده اند كه فرموده اند ( اذا ظهر البديع في امتي فلينظر العالم علمه وان لم يفعل فليس مني ) آيا آنچه بروز نموده است آنها را بديع نهي شماريد در قبه الاسلام صدها دكان باده فروشي عييا بديع نيست و آنكهى كه در اين مكاتبا معروفات فرنگستان را مي فروشند و فروشندهگان فرنگي ميباشند ( باقى دارد )

مكتوب وطن پرست ايراني از سويس

( عطف با سبق )

مدیر روشن ضمیر روزنامه مقدس خوب ميداند كه مرا از اين گونه اطلاعات و بيانات معترضه مقصود ديگر است و اين همه را مقدمه ذكر نموده تا بتوانم در دل خود را اظهار نمود - من كه ايراني و ايراني

تژادم جز اطلاعات عمومی چه قابله ديگر مازد - كه مقدار قروض اهالي مغرب زمين را بدانم خوردن نحصه ايشان بر بنده روا نيست بخاطر دارم هر وقت تاذيب ارمانه يكي از رؤساي روحاني ملت در ( برلن ) پيش ( پارس بسمارك ) رفته ملتجي شد كه امروز در مقام خود خداوند سياست و ايجاد كننده بولتيك عمومی هستي در خصوص ما بچاركان تمهيدى نموده و راه نجاتي بياموز

پارس موصوف جواب داد كه اين سرولب و زبان من چگونه در امرى تفكر و تكلم كند و سخن از او صادر شود سكه منافع ملت آلمان دراو نبايد حال جرايد فرنگ عمومياً و روزنامه مقدس خصوصاً متفق القول خبر ميدهند سكه هدهاد دولت ايران با شرايط چند ده مليون منات از دولت روس استقرض نموده مسافرين فرنگ و اشخاصيكه در ركاب هايوني حاضر بوده گفتند ده مليون منات نبود شانزده كرور تومان ايران است طاقت يا ده مليون يا شانزده كرور بول در بافت شد و كاغذ رضاييت نامه را جناب حجة الاسلام . . . . . سلمه الله تعالى امضا نموده بعد برخى علمای سكرام هم معهور ساخته اند و اين مطالب در روز ۲۶ مارس در مجلس وزارت خارجه پاریس و لندن مورث مذاكرات زياده شد كاتب اسرار وزير دول خارجه هميتها داشته اطلاعات خود را در جرايد فيكارو ( تمس ) نگاشت مشاراليه ميگويد كه من تحقيق نموده ام سكه دولت روس ده مليون منات بدولت ايران قرض داده و در ضمن شرط شده كه امتياز ساختن راه شوسه تبريز تا طهران بروس واكندار خود شرط ديگر اينكه قدرى از اين مبلغ مقروضه را در سرحداث بلوچستان و افغانستان دولت ايران صرف نمايد

وما بقى را بهر مصرفى كه ميداند مختارند صرف. نبايد و در ضمن شرط شده كه اصل و سود اين قرض را هم سال بسال بر اقساط قرضه سال منهي بيفزايند - از قراريكه مستخدمين ركاب هايوني بيان فرمودند چون هر دو سال قبل پست و چهار كرور قرض کرده بودند امسال هم شانزده كرور خواستند كه رو بهر قرضه چهار كرور شود

در دارالشوری ملی موسیو (جیت سون) سؤال  
 مینماید - آیا دولت ایران میداند که این معاهدات  
 کونا کونه که دولت روس با ایران میکند ثابت نتیجه  
 نفوذ را نهدند و بختید که دریای خزر را با خلیج  
 فارس بایک راه آهلیکه تقریباً هزار و دوست و پنجاه  
 کیلومتر باشد - بیکدیگر وصل خواهد ساخت - و پس  
 از اتمام این راه آهن دولت روس را حق آن خواهد  
 بود که بیک استحكام و بندر معتبری را برای حمل مال  
 و تجارت و دفاع بولتیک خود در نواحی خلیج بسازد  
 و الحاک در تدارک است که کپنی جدید تشکیل نموده  
 مطاع تجارتی خود را در خلیج فارس رواج دهد  
 کاتب اسرار وزیر خارجه جواب میدهد آنچه  
 حقیق شده دولت ایران ده ملیون منات از روس  
 استغراض نموده - و در ضمن امتیاز راه شوسه طهران  
 و تبریز را حاصل کرده ولی هنوز از معاهدات مخفیانه  
 دولتین مشارالیهما ما را اطلاعی حاصل نشده

این مسئله بر قاطبه ملت پوشیده نماند که از روز  
 اول محرم (۱۳۲۰) دولت ایران چهل کروڑ  
 بدولت روس قرضدار است شك نیست که قرضه ملت  
 و دولت باعث افتخار و آبروی دولت و ملت است  
 و ازین باب کسی را حق سؤال و جواب نیست -  
 البتة ذات ملکوتی صفات اعلی حضرت شهرباری  
 ارواحنا فداه و رجال دربار آنچه کرده عین صلاح  
 ملت و جمهور است (باقی دارد)

◀ شیراز ▶

§ بموجب خبری که اخبارات انگلیسی مینویسند  
 از جانب دولت علیه ایران قوام الملك وزیر شیراز را  
 حکم شده که بکربلا برود - اخبار مزبور می گوید  
 این حکم بسبب شرکت مشارالیه در اغتشاش جدید  
 شیراز بوده است - و معلوم شده که ایشان بسفیر دولت  
 روس در اصفهان پناه جسته بود - از قوام الملك متمول  
 ترکی در فارس و جنوبی ایران نیست تا اینجا مقوله  
 اخبارات انگلیس بود ولی عقیده ما بر این است که تمام  
 این عنوان بی اصل است چه قوام الملك پدر در پدر  
 از نوکرهای صادق خیر خواه دولت است

◀ بوشهر ▶

خبر (طمس) بمبئی از بوشهر مینویسد که اهالی

سواحل و بلاد اندرونی ایران بخلکت و مصیبت تمام بسر  
 میبرند و اگر ارزاق از هند فرستاده نشود بایست خبر  
 مصیبت و خرابی که از حد و حصر بیرون است از  
 بوشهریان بنویسیم - زارعین آنچه تخم برای زراعت  
 نکه داشته بودند صرف نموده اگر زراعت خوب هم  
 بشود زارعین تا دو سال دیگر مبتلای مصیبت و فکلاکت  
 خواهند بود - اگر دولت علیه ایران بفکر رهایی  
 خود باشد باید اندکی متوجه حال و امداد زارعین  
 گردد - اگر تخم برای زارعین آماده نکردد نقصان عظیم  
 به تجارت [اروپا] هم وارد می آید لهذا مناسب  
 است که تقسیم تخم برای زرع زارعین بشود - من  
 صلاح درین می بینم که مجلس شورای منعقد شده تجار  
 اروپا و ایرانیان و کارکنان ایران باهم معوره نموده  
 انتظام نمایند که بزراعین تخم برای کاشتن تقسیم نمایند  
 و بعد از درو قیمت بگیرند -

◀ تخفیف در اجرت تلگراف ▶

§ از یکم جولائی ماه سنه جاریه در قیمت تلگرامهاییکه  
 از هند یا برمه بولایات مندرجه ذیل فرستاده شود  
 بدین قسم تخفیف داده اند در ایران و بوشهر که بیک  
 رویه دو آنه

در چاشک و مسقط که ده آنه

در چار بار - آرمارا - کوادر که ۶ آنه

◀ قدردانی و نتیجه لیاقت ▶

§ فاضل تحریر سید علی بلکرای که مستغنی از هر  
 گونه ترفیع و توصیف است و در لیاقت و قابلیت  
 شخص اول مسلمانان هند میباشد و شمه از شرح  
 حال آن سید جلیل القدر را سابقاً در روزنامه مقدس  
 نوشته بودیم در عهد وزارت جدید حیدرآباد ترك  
 ملازمت گفته و وظیفه حاصل نموده در مارچ ماه گذشته  
 وارد انگلستان گردید - این جوهر لیاقت گویا روح علم  
 را از هند همراه خود برد واقع باید بر امارت اسلاسی  
 حیدرآباد از غیبت این صکونه فضلی جلیل القدر  
 تأسف نمود - بی اگر مسلمانان قدر دان علم و اهل  
 علم بودیم باین روز سیاه دچار نمی شدیم - حق این  
 است که جای دارد دولتین ایران و عثمان در جلب  
 و ربودن این فاضل یگانه بریکدیگر - بهت نمایند

خلاصه این فاضل جلیل القدر ترك علاقه از هندوستان

نموده سکونت انگلستان را اختیار فرموده دارالعلوم (کرج) وجود ایشان را غنیمت دالتی برای تعلیم زبان (مراثیا) دویت لیرا موجب پرایشان مقرر نموده خواهش نمودند سکه برای طلاب این زبان کتب چندی نیز تصنیف نمایند بجهت نیل این مقام در دارالعلوم (کبرج) بسیاری کوهان وده فرامیدوار بودند و این فاضل جلیل اول شخص از اهل هنداست که بدین مقام نیل آمده و مایه افتخار هندیان خاصه مسلمانان سیا شیعیان گردیده اجزای اداره جلالالتین از سیم قلب این فاضل جلیل را بدین عهده نیل تبریک میگویند

﴿ اخبارات خارجه ﴾

§ نواب امرف والا آقای سلطان محمد شاه از جانب دولت انگلیس بخطاب ( جی - سی - آی - ای ) میامی آمدند

§ جناب ممبرالدوله وزیرتکراف ممالک ایران از جانب دولت انگلیس بخطاب ( سی - آی - ای ) مقتر کردید § روز نامه ( دیلی نیوز ) مینویسد که از حمل جرای که نسبت به اعلیحضرت ( ادورد هفتم ) نمودند ( ۲۲ انس - ۵۰ توله - یا ۱۱۰ مثقال ) مواد چرک وریم خارج شد ازین ظاهر می شود که مرض ایشان چه قدر سخت بود

§ اعلیحضرت سلطان عثمانی در اعانه مصیبت زدگان جزائر [مارتنک] ۲۰ هزار فرانک عطا فرموده اند § یهودیان اسکندریه اخباری شایع نموده که بذریعه آن حالات خود را بیان نمایند و دفع نقائص ملیه خویش را بکنند ( بارالها مکذار که ماملت نجیب ایران از یهودیان نیز پست تر شده عقب مایم )

§ برخی از اخبارات می نویسند که برای سرکوبی و نکرانی اشراار ( البانیا ) دولت علیه عثمانی امر بجمع ۲۰ هزار قشون نموده است

§ برای مصارف جنگ ترانسوال مبلنی دیگر ضرورت شده و این مسئله را در پارلمان پیش نموده اند

§ دولت روس هفتیانه سلسله راه آهنی را از وسط آسیا بیای تخت چین تمیر می نماید و خیال دارد از ( سایریا ) شانی از راه آهن ( منکولیا ) را به ( بیکن ) به برد § در معدن زغال ( ملبونیا ) تمام متهوران اتفاق

نموده دست از کار کشیده اند

§ افواه است که ملکه چین را اراده بر آن است که از سلطنت کناره گیرد

§ ( کرله ترم ) که برخی از رازهای جنکی دولت روس را بیکی از دول رقیب فروخته بود ۱۲ ساله به حبس با مشقت سزا یافت

§ پادشاه حبش حکم نموده که تمام دماة آلمان از خاک او بیرون روند ( این پادشما خود نصرانی است ولی بی مقاصد قامده سیاسی آنها برده است ) خدا یا عقل ما باید از عقل حبشی ها هم کلفت تر باشد که این نکات را استنباط نینماییم

§ اخبارات انگلیسی مینویسند که در عربستان قافله که صد نفر بوده دچار قطاعان طریق کشته هم را تلف نموده اند ( ما را ازین واقعه خبری نیست ) -

§ شاهزادگان و راجکان و نوایان هند که بتندن رفته بودند به تاریخ ۱۲ جون بمشای ( ونچستر ) رفته پذیرائی شایان از ایشان شده است

§ ( منیجر سی - ایچ - کفت ) برای خریدن قاطر و آوردن در هند به امریکا رفته است § ( ۱۴۰۰۰ ) نفر باغیان کبک را انتخاب نموده اند که از دادن رای در مشوره امورملکی محروم باشند

§ جبهازات جنکی ژاپون برای سیر در سواحل عثمانی خواهند رفت و تحایف نیز برای سلطان همراه دارند § اسرای ( فلپائن - و آکنادو ) را دولت اتاژونی آزادی بخشید

§ جنرل بوتها - و هلبری - و دیوت - بعد از ملاقات با ( مستر کروگر ) به لندن خواهند رفت

§ بموجب تکارش اخبارات انگلیسی اعلیحضرت شاهنشاه ایران ( ۱۳ ) ماه حال رونق افروز لندن خواهند کردید و بیک هفته در آنجا توقف خواهند فرمود § در چین برای رقی زراعت آلان و ادوات جدید از ( آرلند ) طلب شده است

§ در ( ملبلا ) مدیر چهار اخبار را که مضامین مفسدهانه و مشویانه نوشته بودند گرفتار کرده هریک را پلیس چهار صد رویه جرمانه نمود

§ در ( کلیدا ) تجویز شده که فوج ( ملبعا ) را تا یک صد هزار زیاد نمایند



§ از جنوب افریقا هفتاد هزار قشون عوتم داده خواهند شد فعلاً ویست هزار لشکر در آنجا ساخلواند  
 § افواه است که بلز کوه آتش فشان (سوفیرر) که در (سنت وینست) است طغیانی نموده  
 § اهالی (استریلیا) را عقیده بر این است که فرمانفرمای آینده هند (لارد هوبتون) خواهد شد  
 § در بحیره اسود طوفان سختی برخاسته ۳۰ جہاز را شکست و ۲۰۰ نفر غرق شده اند  
 § در (سویدن) برای افسران پلیس لباس خاکی منظور شده است

§ ولیمپد سیام بعد از فراغ از تحصیل بوطن خود مراجعت مینماید و چهار روز در (سیلان) قیام خواهد نمود

... اخبارات داخله ...

§ انجمن تازه بجهت سرعت سیر قطار راه آهن بین بمبئی و کالکته در شش منقذ شده است  
 § در منده (برمه) دختر هفتده ساله را بجرم گرفتن زیورات طفلی و حزم قتل او هفت سال حکم به حبس نمودند  
 § یکی از پارسیان بمبئی (مستراین ام و او به) (۵۰۰۰) روپیه بجهت اطاعت قرا بذل نموده است  
 § (لارد کرزن) در امارت های بومی هند حکم به مشق دادن قشون داده این امر نیز یکی از نکات سیاسی این سره بزرگ است که مورث تعریف وی و مزید بر وقاداری امرای و رعایای هند شده است  
 § در لکنهو آثار بارندگی تا حال نمودار نیست و مورث تشویش اهالی شده است

§ چنان مستفاد میشود که حکومت هند محل سکونت مهاراجه ممزول (پنا) را در مدراس قرار دهد  
 § در ممالک متوسطه هند بواسطه قلت بران تکالیف طاقت فرسا بر بومیان احساس میشود

§ در کراچی از طوفان و سیل بالغ بر هشت میلیون روپیه نقصان وارد آمده است

§ مهاراچک در دهل بجهت ناپیش ستایع در باغ قدسیه کمبری شد تمام شده اداره کشتری نیز در آن قرار خواهد یافت

§ در دهل افواه است که در بار تاجپوشی ملتی

نخواهد شد صرف منتظر تعیین تاریخ تاجگذاری لندن هستند

§ در دقار مدراس زنهای پورشین را بجای مردان انتخاب نموده اند که بعهده منشی کری کار بکنند

§ شخصی را در پستخانه [اله آباد] بجرم دزدیدن خطوط پی ترم دو سال قید نموده اند

§ مقدمه بلوای (میمپوی) برمه از ۶۶ نفر ملزمین ۴۹ نفر را سزا (۱۷) نفر را رها نمودند

§ در میان پستخانه هند و ترنسوال مبادله مبادر (امانات نقدی) جاری گردید و تا ده لیرا محدود کرده اند

§ از معادن الماس برمه سال گذشته ششصد هزار روپیه منافع حاصل شده است

§ در اطراف طوفان خوردگان کراچی (۱۰۰۰) روپیه میر خیر پوره سند اطانت نموده - الحاق در ممالک

سند وجود این شخص بزرگ فیاض نیز از غنائم است  
 § وزیر امارت (جو تا کده) در مجلس میلاد حضرت خاتم المرسلین صلوات الله علیه و آله وسلم (۱۰۰۰) نفر را دعوت بطعام نموده انتظام شایان نمود

§ وقایع نگار اخبار (اسکاسئین) از لندن خبر میدهد که (لارد کرزن) فرمانفرمای هند بجهت بعضی امورات مهمی که بدست گرفته تا کاملاً انجام ندهد از هند بیرون نخواهد آمد ازین رو بر معاد فرمانفرماتی ایشان افزوده خواهد شد

§ سورت کرما امسال در مدراس پنج درجه از سنوات ماضیه زیاد شده

§ مهاراجه صاحب [در بهنگه] بخطاب کی - سی آئی - ای مفتخر گردید

§ در قرب برهوان نزدیک ایستگاه (رام ساطی) از صدمه هوا یک قطار ششصدفراز خط بیرون رفته (۱۵) نفر مقتول و مجروح شده اند

§ هفته گذشته مجدداً در برخی طوفان برخاسته بعضی سیمهای تلگراف و برخی راهای آهن را خراب نموده است

§ در کراچی علاوه بر مرض طاعون مرض هیضه نیز بشدت است چنانچه هفته گذشته جمعی از هیضه تلف گردیدند

§ بطلت قلت باران و خشک سالی صوبه سرحدی

§ در کراچی علاوه بر مرض طاعون مرض هیضه نیز بشدت است چنانچه هفته گذشته جمعی از هیضه تلف گردیدند

§ بطلت قلت باران و خشک سالی صوبه سرحدی

§ در کراچی علاوه بر مرض طاعون مرض هیضه نیز بشدت است چنانچه هفته گذشته جمعی از هیضه تلف گردیدند

§ بطلت قلت باران و خشک سالی صوبه سرحدی

مورث شکایت اہالی شدہ و ہمہ پیمانند

§ در پنجاب چندیت شروع بہ باریدن باران شدہ است

§ در مسجد (جولہ) مرشد آباد نواب بہادر باتام خاندان اخلاص و بالغ بر ۵۰۰ نفر بزرگان و عہدجات دعای مخصوص از صبح قلب برای سلامتی پادشاہ انگلستان نمودند

§ در حیدرآباد دکن بعد از انتظار چند ہفتہ شبہ گذشتہ باران آمد، ہوا را خنک نمود ولی ہنوز زراعت کشتہ باران میباشند ہوا تند میوزد ولی نرخ اجناس تا حال تنزل نہ نمودہ

§ حکومت ہند خواستگار است کہ تمام اداراتیکہ از ہند در افریقای جنوبی فرستادہ شدہ خاصہ ادارہ طیبہ را عودت بہند دہند

§ چندی قبل ک نر از باشندگان جزیرہ (نیو بار) را کہ در بحر ہند از غرق نجات دادہ بشہ اینکہ شاید از حبسیان جزیرہ (اندمان) است تسلیم پلیس مدراس نمودہ برای تحقیق در عدالت پلیس حاضر ساخت مقدمہ از برای چندہفتہ متوی ماندہ کہ او را در جزیرہ [ اندمان ] برای شناخت حکام فرستند

§ شب یکشنبہ گذشتہ در بمبئی از آوار طائفتہ چہار طبقہ سہ نفر ہلاک شدند

§ در رھائی قیدیان بوئر از ہند تا حال رسماً خبری اشاعت نیافتہ

### کلیتہ

§ در دفتر اطانہ یادگار ملکہ متوفاتہ انگلستان چہار ملیون و بالصد و چہادہ ہزار روپیہ جمع شدہ و چہار صد و ہشتاد و شش ہزار دیگر باقی است کہ باید برسانند

§ دخترکی مدنی علیی بود و طاقت از صحت خود مایوس شدہ بناچار خود را خفہ نمودہ است

§ جہازیکہ وزن آن (۳۹۲۳) ٹن بودہ روز یکشنبہ ساعت (۱۰) زیر آب رفتہ ساعت (۱۲) ظاہر شدہ

§ چہار شبہ گذشتہ ملاحی را برق زدہ غرق نمودہ است

§ افواہ است کہ نواب بہادر سید امیر حسن خان یوزارت بہوپال تازہ شدہ اند

§ تاگرام مخصوصی از جانب وزیر جلوت انگلستان بہ فرماقرمای ہند رسیدہ کہ صحت مزاج اعلیٰ حضرت بہ ادورد ہفتم رو بہ ترقی است

§ (مستقر کلید ہند رسن) قاضی عدالت عالیہ کلکتہ مقرر کردید

§ شیخ رجب نام کہ یکی از عملہ پلیس و وابستہ بکارخانہ کشتی سازی دولتی است در شب بیست و پنجم ماہ جاری زن قاحشہ مسی بہ (اتوریہ) را کہ آشنای وی بود بتقل رسانیدہ . قریب بدہ سال است کہ شیخ رجب مزبور با این زن آشنائی داشت و روز یکشنبہ کہ بہ ملاقاتش رفت دید ضعیفہ لباس نو پوشیدہ بہ خیال آنکہ مرد دیگری باودادہ بدش آمدہ چند مشت ولکداورا زدہ از خانہ بیرون رفت . دو ساعت از شب گذشتہ ہمسایگان دیدند کہ رجب مذکور در گوشہ تاریکی نزدیک خانہ آن زن ایستادہ و ضعیفہ دم در نشستہ است . ہفتہ رجب کارہ کشیدہ بر آن ضعیفہ حملہ نمودہ شکمشرا درید و بعد از مرد زن کریخت خبر بہ پلیس رسید (انسپکتر ہیلٹن) و (انسپکتر اوکلی) برای تدارک آمدہ بعد از چند دقیقہ (سپران تندنٹ رابرت سن) و (مستر ہالید ڈبی کشر پلیس) نیز آمدند — تحقیق نمودہ مجرم را بعد از سہ چہار روز در (مریمن رود) گرفتار نمودند —

§ (مستر نا کامورا) سیاح ژاپونی از رنگون وارد کلکتہ شد مشارالہ ارادہ دارد کہ بدون ذخیرہ زاد و توشہ دورہ دنیا را سیاحت نماید و بدین ارادہ از شہر (توکیو) ژاپون خارج شدہ . سیاح مزبور عنزم نمودہ مصارف سیاحت آسیا و اروپا و امریکا را از آنجہ از کسب خود کہ وعظ و تدریس و بیرون آوردن تماشای چند است تحصیل نماید

§ این ایام ہوا کی کلکتہ بواسطہ غلاظت موسمی و بارندگی زیاد در کال کثافت است ہمہ روزہ باران می بارد و سورت گرما نیز شکستہ است از امراض عمومیہ سوای ہوا خوردگی و تب چایش شکایت عمومی نیست امسال ہر قدر باران در کلکتہ افراط نمودہ در نواحی بنکال و بہار و اریسہ قلت دارد ولی نہ باندازہ کہ زراعت خراب شود و مورث شکایت عمومی باشد از مرض طاعونی نیز اسی شلیدہ نمی شود!

باجلالتین  
استریت نمبر ۷۵  
امور اداره  
ویداالاسلام است  
جر اداره  
براد شیرازی است  
نوشته طبع  
(و سه شنبه توزیع میشود)  
بتاریخ هوشنبه  
(۸ ربیع الثانی ۱۳۲۰ هجری)  
مصادف با  
(۱۹ جولای ۱۹۰۷ میلادی)

روزنامه مقدس  
(سنه ۱۳۷۱)

قیمت اشتراک  
(سالیانه -- شش ماهه)  
(هند - و برمه)  
(۱۲ روپیه -- ۷ روپیه)  
(ایران - افغانستان)  
(۴۰ قران -- ۲۵ قران)  
(عثمانی - و مصر)  
(۵ مجیدی -- ۳ مجیدی)  
(اروپا - و چین)  
(۲۵ فرنک -- ۱۵ فرنک)  
(روسیه و ترکستان)  
(۱۰ منات -- ۶ منات)

قبل از دریافت نمودن قبض مخصوصه اداره امیج به  
از خریداران نباید قیمت اخبار را بامدی تسلیم نمایند  
**کمال الدین**  
ذمه دار صحت و سقم اعلاناتیکه در اخبار داده  
میشود همان کسانی میباشد که اعلان داده اند  
اجرای اداره ذمه دار صحت و سقم عنوانی هستند  
که از طرف خود مینگارند نه عنوانین وقایع نگاران  
و صاحبان مکاتب و منقولات یا ترجمه از سایر جراید

(در این جریده از هرگونه علوم و وقایع سیاسی و منافع دولتی و فواید ملی بحث میشود)  
(مراسلات عام المنفعه مقبول و در انتشارش اداره آزادست)

فهرست مضامین

تلگراف • زراعت امریکا • حریق • لندن  
طاعون پنجاب • نقل از روزنامه ادب • ایضاً • ترقی  
معکوس • حصه دوم از تلخیص حقوق دول • شرح  
اجرت طبع کتب • ترجمه • مکتوب قصه نما • ترجمه  
از روزنامه (واق یلات) لاهی • مکتوب وطن پرست  
ایرانی از سویس • حقیقت را نمی باید نهفتن • داستان  
روسیا • قانون نامه جدید شرکت اسلامی • مکتوب  
در تحقیق امتیاز مصادن نفت • بلغارستان • شمه  
از حالات تاریخی مصلحانان مجمع الجزائر • اسرای بوز  
اعلان تجارنی (آ. پی. کی. و کیانی) • کارخانه عطریات  
(س. ای. جیل و نسکی) • علت بکلی • حکومت جدید  
بوز • اخبارات خارجه • تأسف • بلوک کردی حکومت  
بنگال • انحاء دولتین علیتین عثمانی و ایران • اخبارات  
داخله • کلکت

تلکرافات

(هفتم جولائی)

ضیاقیکه در لندن در اداره هند (ایندیا افیس)  
از امرای هندوستان شد بهتر از همه دعوتها بوجه که  
در این اداره داده شده است. هفت هزار لیرا در این  
مهمانی خرج نموده اند

رویداد مغاوره که در دارالشورای دولتی شده  
اشاعت یافته موضوع بحث و مشوره را چنین بیان  
میکند که سزای سخت باید قرار داده ناقصا درره  
تفرهای لندن موقوف شود  
اهالی امریکا در شهر (لور یول) انگلستان  
تجارت امطه را نزدیک است مخصوص بخودها نمایند  
بیست و پنجم جولائی در انجمن (آهنیم کلب)  
مهمانی هیئت جدید وظیفه خوران عسکری را خواهند نمود  
صحت مزاج اعلیحضرت (ادورد هفتم) بجهت  
جهت حسب دلتواء است  
اعلیحضرت امپراطور (آلمان) بعد از تقسیم  
انعام در نمایشگاه دریا نودری در (زیومیاوند) تلگرافی  
یافتند که در آن خبرصحت اعلیحضرت (ادورد هفتم)  
بود و حسب خواهش ایشان حضار اعلیحضرت پادشاه  
انگستانرا تهنیت نمودند  
اعضای دارالشورای ملی دولت ایتالیا اتفاق نموده  
اند که اعلیحضرت (ادورد هفتم) را برترقی صحت  
تهنیت نمایند  
دولت چین از دولت امریکا خواهش نمودم که  
کوشش در تخلیه (پنت سن) نماید تا بقیضه دولت  
مشارالها در آید

( هفتم جولای )

§ اعلانیه امروز بساعت ده صبح اشاعت یافته ظالم میدارد که اعلیحضرت ( ادورد هفتم ) نه ساعت کامل خواب راحت نمودند و مانی در پی گرفت همت ایشان احساس نمیشود - جراحات از زخم اخراج میشود و درمرهم گذاردن بر زخم صدمه کمتری یفتند § وقایع نکار ( طمس ) از ( جوهانسبرگ ) می نویسد که حکام بسبب کمی مزدوران بومی تفویض دارند که کارها معطل ماند و چنان کان نموده اند که هله این اشکال برای دستیاب نمودن مزدوران بومی بمقابل ترقیاتی که در معاملات شده باید حکومت خواهد کردید

§ مخبر ( روتر ) در ( وبانه ) دارالسلطنت آستریا باسلاطین پاشای ( ایتالیائی ) ملاقی شده بیانات آنها را چنین مینکارد که سلاطین پاشا را رای بر اینست که کالسکهای خود رو مضبوط بخاری سریع السیر اگر بنا شود بوض ساختن راه آهن در ( سودان ) بهتر است و دیگر ترقی ( سودان ) را از زراعت قرار دهند نه از روی انکشاف معادن

§ بموجب خبر موقوف جشن تاجگذاری اعلیحضرت ( ادورد هفتم ) بین یازدهم و پانزدهم اگست منعقد خواهد شد - التوای حرکت قشون مستمرانه جزیره ( بورنیو ) و ( آفریقای مغرب ) نیز برای همین است

§ اسپ کالسکه ( مستر چمبرلین ) قریب بنالار ( وایت هال ) سکنندری خورده زخم شدیدی برسر او رسیده ولی خطرناک نیست [ مستر چمبرلین ] را به بیمارخانه [ چرنک کراس ] برده همانجا امشب میباید و به معالجه اش می پردازند

( هشتم جولای )

§ مخبر ( روتر ) خبر یافته که اعلیحضرت ( ادورد هفتم ) شخصاً مصراند که جشن تاجگذاری زود منعقد گردد - ممکن است اعلیحضرت قبل از آن چند روز را در کشتی بگذرانند ولی درنواحی لندن خواهند ماند تاوقتی که جشن تاجگذاری بیایان رسد § ( مستر چمبرلین ) تاکنون در بیمارخانه است - جمیع امور و راجه پورا ملتوی گذارده اند

§ شاهزاده ولیعهد ( سیام ) وارد ( پاریس ) شده و ( ام - لوبت ) رئیس جمهوری فرانسه او را پذیرای شایان نموده است

§ یستم آگست ماه آینده اجزای دارالشورای ملی کیپ برای مشاوره مجتمع خواهند شد -

§ همت اعلیحضرت پادشاه انگلستان بحسب دلتخواه است - روزنامه [ طمس ] مینویسد که المقاد جشن تاجگذاری بطور وثوق در اگست ماه آینده قرار یافته است

§ مهاراجه [ جیپور ] پنجهزار لبر با هفتاد و پنج هزار رویه بدفتر امانه بیمارخانه شاهی بذل احسان نموده است ( نهم جولای )

§ همت اعلیحضرت ( ادورد هفتم ) حسب دلتخواه است - اعلیحضرت از روی طبیعت کاملاً خواب راحت مینماید و قوت طبیعی حاصل میکند و جراحات رفته رفته التیام می یابد

§ تلامذه مدارس ( آیولند ) ( لارد رابرت ) را در لندن مهمانی نموده جای نزهت هدیه وی نمودند - از زمان مراجعت لارد مدوح از جنک ( ترنسوال ) این اول هدیه میباشد که شخصاً قبول نموده است

§ در اعلانیه امروز صبح اشاعت یافته اظهار شده که حاله ( مستر چمبرلین ) بهتر و امید است امروز از بیمارخانه مرخص شود

§ ( مستر چمبرلین ) از بیمارخانه بیرون آمده ضماط برسر بسته صورتش زرد شده ولی خوشحال است و چندی آسایش لازم دارد تا همتش حسب دلتخواه شود § ( لارد متیون ) از ( ترنسوال ) حرکت نموده و در ( سوتنه هملتن ) از جهاز پیاده شده حالش از سابق بهتر است

§ دولت چین برای تخلیه ( بنت سن ) بدولت جمهوری اتازونی التجا نموده مقضی المرام کشته و بسردهای دول خارجه که در ( بنت سن ) مقیم اند فرمان تخلیه نمودن ( شهر ) رسیده است

§ ( سر - اف - دنکت ) و سلاطین پانجا در مجلس هروی دفتر ( سراولین اوه ) با ( سر - ادورد بلونت ) رونق ده بودمآند

§ (لارڈ کچنر) از ترسوال برواۃ وطن مألوف خود کردیده روز شبہ وارد (بادنکتن) میشود و با (پرلس آف ویلز) شاهزاده ولیمہ دولت انگلیس در قصر (سنت جس پالس) صرف نهار خواهد نمود. اکثر روزنامہا توصیف (لارڈ کچنر) را بخدمت لایقہ مینمایند

§ شاهزادہ (کالسو) سفیر فوق‌العادۃ دولت (کوریہ) در (سنت سر) مشاہدۃ مدرسۃ نظامی دولت فرانسه را نمود

( دهم جولائی )

§ (لارڈ ہوپ تن) و جنرال (فرنج) و جنرال (آین حملتن) نیز مہمان (پرلس آف ویلز) شاهزادہ ولیمہ دولت انگلیس خواهند بود و در مجلس مہمانی کہ از (لارڈ کچنر) برای صرف نهار شدہ (دیوک آف کنات) و (دیوک آف کمبریج) و (لارڈ رابرت) و اتباعان و (لارڈ سالسبری) وزیر اعظم دولت انگلیس و اجزای شورای دولتی شرکت داشتند

§ روزنامۃ (مارٹنک پست) مینکارد محتمل است کہ (کرنل ہری مکالمنت) بصدۃ (لارڈ ہوپ تن) فرمانفرمای (استرلیا) مقرر شود

§ اعضای شورای دولتی و ملتی فرانسه رضا دادہ اند کہ منافع سندات دولتی از سود صدی سه و نیم سالانہ بہ صدی سه تبدیل شود

§ روزنامۃ (ان ست) مینکارد کہ صحت اعلیحضرت (ادورد ہفتم) حسب دلتواء است - اعلیحضرت خواب راحت مینمایند و جراحی با حسن وجه آہستہ آہستہ التیام می‌یابد

§ روزنامۃ (ان ست) مینکارد کہ نظر بہ خبرهای واہبہ و دروغ ہائیکہ شیوع یافته بر مالازم است کہ تردید خبرهای بی‌سروبا را نموده بطور واضح بیان ناہم کہ اعلیحضرت پادشاہ انگلستان مبتلای بسرطان نمیباشند § دینیب در (فورت دی فرانس) دارالحکومۃ جزیرۃ (مارٹینک) تا چہار ساعت مجدداً کوه آتش فشان طغیانی نموده نقصاناتش هنوز معلوم نغده اہالی ہمہ پیناکند - طوف جان بر ہیئت مفتشین علوم طبیعیۃ انگلیس نیز میرود -

§ (مستر برادرپیک) وزیر داخلۃ دولت انگلیس

در دارالشورای ملی اظهار داشت کہ هیچ مناسبتی در مقدمۃ جنرل (بولر) و جنرل (وارن) نیست و اینکہ بگذارند جواب جنرل (وارن) دادہ شود بر خلاف قواعد نظام است -

§ سندات دولتی از بابت راء آہن شرقی ہند بمبلغ یک و نیم ملیون لبرا بمنافع سالانہ صدی سه اعلان یافته و قیمت صدی نود و ہفت فروش میرود قبل از یازدہم ماہ جاری ہریضۃ قرض دہندگان گرفتہ خواهد شد -

§ (لارڈ ہوپ تن) در مہمان (پرلس آف ویلز) شاهزادہ ولیمہ دولت انگلیس در دہوتیکہ بہ (لارڈ کچنر) برای صرف نهار دادہ شدہ بود شرکت نداشت (یازدہم جولای)

§ سلطان (پراک) رواۃ ہندوستان کردیدہ - § جراحی سر (مستر چپرلین) روبالیتام نہادہ ولی از اطلاق خود بیرون نمی‌آید -

§ رای روزنامۃ (مارٹنک پست) کہ نکاشتہ بود (کرنل ہری مکالمنت) بجای (لارڈ ہوپ تن) فرمانفرمای (آ-ترلیا) خواهد شد صحت ندارد -

§ خبر سلامتی ہیئت مفتشین علوم طبیعیۃ دولت انگلیس از (فورت دی فرانس) دارالحکومۃ جزیرۃ (مارٹینک) رسید -

§ دیشب (پرلس و پرلس آف ویلز) شاهزادہ ولیمہ و زوجۃ شان نصد نفر مہمانان مستعمرات را در قصر (سنت جس پالس) پذیرائی و مہمانی نمودند

§ ہمہ جہۃ صحت اعلیحضرت (ادورد ہفتم) حسب دلتواء است

§ رسماً دول خارجیہ در جشن تاجگذاری دعوت نخواهند شد -

§ امروز صبح (پرلس و پرلس آف ویلز) شاهزادہ ولیمہ دولت انگلس و زوجۃ شان مہمانان ہندی را در قصر (سنت جس پالس) پذیرائی و ملاقات نمودند

§ (لارڈ جارج حملتن) وزیر ہند در دارالشورای ملی انگلستان اظهار داشتہ کہ در چہارم ماہ جاری مہمانی کہ در ادارۃ ہند شدہ فقط برای صرف شام بود

بنکه بیادکلا این شده در تاریخ انگلستان این اولین وهه  
 است که در جشن تاجگذاری فلزای عهدۀ شاهنشاهی  
 هندوستان شده ایم لذا این مهمانی رسماً ترتیب یافته بود  
 § اعلیحضرت بادشاه (ایتالیا) بجانب مملکت روس  
 رهپار گردیدند

§ محکمۀ بلدیۀ لندن تہلیت نامہ در صندوقہ طلائی  
 گذارده بہ (لارڈ کچر) تقدیم نمودند (لارڈ رابرٹ)  
 و (لارڈ کچر) و افسرہائیکہ از آفریقہای جنوبی  
 مراجعت نموده و مهمانان ہند و مسامرات را در  
 تالار (کلدھال) برای پذیرائی جشن صلح بوٹر رسماً  
 دعوت نمودند۔

( دوازدم جولائی )

§ اطہای اعلیحضرت ( ادورد ہفتم ) بیان مینمایند  
 کہ بسبب قوہ جسمانی ترقی در صحت اعلیحضرت  
 پیش تر از آن کہ امید داشتند رخ نموده۔ امید است  
 کہ اعلیحضرت بتوانند روز سہ شنبہ از بندرگاہ (سمونہ)  
 سوار بر قایق شاهی شوند۔

§ رسماً اشاعت یافته کہ جشن تاجگذاری روزی  
 در بین ہشتم و دوازدم اسکست ماہ آفندہ منعقد  
 خواهد شد۔

§ سیر اعلیحضرت بادشاه انگلستان در دریا کہ قرار  
 بود روز بعد بہ شود موقوف شد۔

§ ( دیوک آف کنٹ ) در ( ہمن کورٹ ) قشون  
 ہندی را نشان مرحمت نمود۔

§ آخرین دستہ قہون بوٹر نیز تسلیم شدہ تمام تسلیم  
 شدگان بوٹر ( ۲۰۰۰۰ ) قمر بشمار آمدہ اند

( سیزدم جولائی )

§ ( لارڈ سالبری ) وزیر اعظم انگلستان از عہدہ  
 خویش مستعفی شدہ و استعفايش بدرجہ قبول رسیدہ  
 است و ( مسٹر بلفورڈ ) بعہدہ وی مقرر گردید

﴿ زراعت امریکا ﴾

§ در امریکا بجمہ فن زراعت مہینہای تازه اختراع  
 شدہ کہ بسیار حیرت انگیز است مشینی بجمہ تخم باشین  
 ایجاد نموده اند کہ در ہر آن صدہا میل زمین را تخم  
 پاشی مینماید۔ و نیز برای درو نمودن زراعت نظیفی  
 ساختہ اند کہ حاصل را درویدہ و صاف میکند  
 در امریکا کالسنکہ شمالی ساختہ آمد کہ زراعت

۱۵ میل مربع اراضی را مورچند دقیقہ بخیع مینمایند و چہند  
 خرمن را یک نژدہ حطل میکند و تا حال دول میگردد  
 اینگونہ کالسنکہ درست نکرده اند

بکنفر زارع امریکائی از روی علم این قہر غہ  
 پیدا مینموانند کہ ماثر زارعین اروپا عاجزاند میکنند  
 یک زارع امریکائی بمقابلہ ۳ قہر زارعین انگلستان و ۴  
 قہر فرانسوی و ۵ قہر آلمانی و ۶ قہر ایتالیائی  
 میباعد ایران و هندوستان در شمار نیست ۴ قہر  
 زارع امریکائی میتوانند خوراک ہزار نفر را مہیا کنند  
 اگر زارعین آسیائی زراعت را بہ طریقہ امریکا نمایند  
 آبتدہ بحال ایقان مفید خواهد شد

ہمین کہ فن زراعت را آموختیم ہر یک از زارعین  
 امروزہ ما را سکفایت تواند کرد و مابقی یا بکارهای  
 دیگر یا بتوسعہ ادارہ زراعت خواهند پرداختہ این  
 است سبب آن کہ امریکا مالا مال از ثروت شدہ از  
 روی علم راہ یکسال را یک روز طی مینمایند ولی  
 ہر سہ دراز میخواستہ کہ ما ازین طریق ترقی کہ در  
 امریکا رایج است نماندہ برگیریم

﴿ حریق ﴾

§ در عہراول شہر بخاری از حریقیکہ در صحنہ واقع  
 شدہ ہشت دکان متبر بخار خاکستر و یک ملیون روپہ  
 نقصان این حریق را تخمین نموده اند ہر قدر کوشش  
 در خودکی آن نمودند سودی نہ بنحسب اموالیکہ از دکانها  
 بیرون آورده از آتش نجات دادند از بارش حراب گردید  
 حریق در حبس خانہ (رومانیا) کہ شصت نفر دراو  
 محبوس بودہ اند واقع گردیدہ محبوسین خود را بر  
 دروازہ و در پچہہای آہن انداختہ فرار نمایند چون  
 قالیساب نکریدہ شروع نمودند بخرید زہن و امان  
 خواستن و نفرین نمودن بہ محافظین حبس خانہ کہ چرا  
 در را باز نکرده تا حوزیتن را نجات دهند نامورین  
 حبس خانہ انتظار قہون دولتی را منتظریدہ ہند از  
 رسیدن قہون ہر را کشودہ آنها را بیرون آوردند

﴿ لندن ﴾

§ کلاتر شہر لندن را در کوچہ بچی از اشارت  
 بام ( اہولیدلسن ) مشہور اند ہراسرہ نموده و یکی از  
 آنها ( ہزی بلس ) کہ از مزدوران اہت تہلہ نمود  
 ہرتم گرفتار و تقدنہ اہی در ہذالت پیش آمد

طاعون پنجاب

نقته گذشته بمت بران در پنجاب سورت کرمی آفتاب کتر بود ولی عده اموات زیاد برهفته گذشته بوده درمضافات سیالکوت عده مبتلایان طاعون زیاد از همه پنجاب بود چنانچه دو هفته قبل تمام اموات آن (۷۱۴) و هفته گذشته (۱۰۶۶) بوده در شهر (امرئرس) یکی نفر - درمضافات (امرئرس) ۴ درمضافات (فیروز پور) ۳ - در مضافات (کره اسپور) ۱۳ - در نواحی (کجراتواله) ۵ - در رقبه (کجرات) ۴ - در اطراف (هوخیارپور) ۳۱ - درمضافات (جالندهر) ۱۷۷ در شهر (جالندهر) ۲ - در (لاهور) یکی نفر - در نواحی (لاهور) ۹ در مضافات (لودیانه) ۴ - در امارت (مالیر کتله) یک نفر در شهر (پتیاله) ۱۴ - در اطراف (سیالکوت) ۷۰۷۰ - در شهر (انباله) ۹ در نواحی (انباله) ۴ نفر از طاعون تلف شده اند امید است هفته آینده تخفیف در این مرض حاصل آید

از فهرست طاعون مدراس که رسماً اعلان شده ظاهر میشود که از آغاز طاعون الی الحین در صوبه مدراس پانزده هزار و یکصد و نود نفر مبتلای طاعون شده و دوازده هزار دوسد و دو نفر از این مرض تلف گردیده اند

از یکم مارچ سنه ۱۸۹۹ تا یکم دسمبر سنه ۱۹۰۱ (۷۹۹۵۰) روپیه برای قتل موش ها که علت شیوع مرض طاعون تصور شده اند در بمبئی حکومت صرف نموده است

مرض طاعون باز زیاد شده هفته گذشته در تمام هندوستان (۱۶۸۴) اموات طاعون بوده هفته قبل ازان (۱۷۹۴) در پنجاب (۱۰۷۶) در مضافات بمبئی (۳۱۱) در امارت میسور (۱۷۰) در شهر بمبئی (۳۱۱) کلکته (۳۸) صوبجات متحده (۳۳) احاطه مدراس ۲۲ بنکال ۲۰ کراچی ۱۴ نفر بشمار آمده است

نقل از روزنامه ادب

مسافرت هایونی

عقبنی نماید که - عرض از مسافرت امساله بندکان اعلیحضرت شاهنشاه ایران ارواحنا فداء بسمت اروپا هم مقصود شده است که اراده هایونی بر انجام آنها تعلق گرفته (نخست) تکمیل معالجه به آبهای معدنی (کلتراکسویلی) که در سفر سابق آثار نالمانه آن بظهور پیوسته و این تکمیل بموجب تهوری اطبا در نهایت اهمیت است

دیگر اینکه - در سفر سابق اعلیحضرت اقدس هایونی روحنا فداء با بعضی ملوک و سلاطین ملاقات نموده و نقاط مهمه اروپا را مسکه پای تخت سلطنت بوده اند سیاحت فرمودند -

لذا تجدید مسافرت را بواسطه بعضی مقتضیات سیاسی واجب و لازم شمردند : در اواخر مارچ ماه روسی از دارالخلافه باهمه بر عزیمت سفر خیریت اثر همت نگاشته از طریق قزوین تعریف فرمای دارالمرکز رخت گشته و از آنجا اراضی ساحل غربی دریای خزر را پی فرسوده لعل صمند هایونی ساخته از راه آستارا بلنکران (از بلاد روسیه) و از آنجا تشریف فرمای بادکوبه شدند : نفعه این مسافرت مسعوده اجمالاً از قرار است که ذیلأ نکاشته میشود :

موکب هایون الشاهانه تملی سلامت و سعادت و اقبال باقطار راه آهن تشریف فرمای (وین) پای تخت دولت (استریا) خواهند شد : از آنجا نیز با شوکت و فرخی عزیمت ایتالیا فرموده پنجر روز در شهر (رم) که پای تخت کشور رومیه الکبری است توقف میفرمایند : هم از آنجا از راه [فلورانس] و [میلان] و [نازل] و [فرانکفورت] بشهر [برلن] که پای تخت مملکت آلمانستان نهضت خواهند فرموده در دویم ماه [بون] که مطابق است با هفتم ربیع الاول از شهر برلن حرکت فرموده و روز دیکر وارد [کلتراکسویلی] خواهند شد : از قرار نقل جرابد خارجه - موکب هایونی تا یستم ربیع الاول در این نقطه اقامت خواهند فرموده و از آنجا از بندر [کالی] تشریف فرمای خاک انگلستان گشته در شهر [لندن] با اعلیحضرت پادشاه انگلستان ملاقات دوستانه خواهند نموده شش روز در شهر هنرپور اقامت میفرمایند پس از آنجا به [انتورین] و [کارلسباد] تشریف برده این نقطه را منتهای مقصد سیاحت قرار داده در نهم ماه آغوست مطابق هفتم جمادی الاولی عزیمت مراجعت را از طریق روسیه تصمیم داده اند در اول [سپتامبر] مطابق دهم جمادی الثانی از روی نقشه که تعیین شده است - بمرکز خلافت کبری معاودت فرموده جمن میلاد هایون و با فرخی و اقبال در آن کشور بک و خطه تابنده نمانه خواهند فرموده

▶ ایضاً ◀

§ از قرار اخبارات خارجه تا سلخ ذی القعدة مجموع ونه اطافه راه آهن حجاز تاکنون چهل و چهارمليون و چهارصد و چهل ونه هزار و چهل و دو خروش و نچهل باره است - مهندسین همه جا در عرض راه مشغول تسوية طريق و تشیدن خط راه و تأسیس استاسیونها هستند

در چهار نقطه از عرض راه نیز چهار اردوی معتبر از حملجات تشکیل شده که تمام روز را بملکی و انتظام و دستورالعمل مخصوص مشغولند و تمام لوازم زندانی از آذوقه و اثاث و خیمه و لباس و هفتا برای آنها موجود است

(اردوی اول) عمله هزار و دوپست و هفتاد و سه نفر - همراه چهل و یک دستکاه - مال بارکش دوپست و هفتاد و یک راس

(اردوی دوم) عمله - هزار و دوپست و دو از ده نفر - همراه پست و سه دستکاه - مال بارکش سیصد و هفتاد و چهار راس - شتر چهل و هشت نفر

(اردوی سیم) - عمله هفتصد و چهار نفر - همراه یکصد و یک دستکاه - مال بارکش یکصد و بیست و هشت راس

(اردوی چهارم) - عمله شصت و هشتاد و چهار نفر - (مجموع اینها از قرار تفصیل ذیل اند) حملجات سه هزار و هشتصد و هفتاد و سه نفر - همراه یکصد و شصت و پنج دستکاه - شتر چهل و شش نفر مالهای بارکش هفتصد و هفتاد و سه راس

▶ ترقی معکوس ◀

§ از اخبار تازه کاطمین علیه السلام یکی این است که شب جمعه ۱۶ محرم برخی اجامرو اوباش کاطمین جمع وهم قسم شده اند که جمیع مقاصد متحد باشند و از برای خودشان شیخی قرار داده مثل قواعد عشار هرب - چون این مطلب با آسایش عمومی مناقات دارد از ترس حکومت عثمانی شورای این امر را در خانه . . . . . که وسکین قولسول دوات . . . است قرار دادند - از قرار منموخ خود وکیل قولسولگری و پسرش هم در این عهد جدید داخل هستند و . . . . .

نام را قبیح قرار داده بود زرععت او روسای چند مقرر داشته اند از جه حاجی . . . . . و آگراشه . . . . . و . . . . . که حلاج است و قائده این مطلب بزم آنها اتحاد است و اخوت که در جهه امور موافق باشند و حمایت یکدیگر نباشند جمیاً متحد گردند مثل مشایخ عرب هر طایفه و هر قبیله خویش را بیک پدر منتهی سازند و اینها ظالماً کاطمین و هو غیر بیشتر از بیک پدر نیستند هندی و ترک و هم هم قدری داخلند ولی غالب بی سر و پا و بی وجود - خیال میکنند دارای عشیره و نامه اند شرط نامه را مهر نموده اند و در خانه . . . . . شربت نوشیده مرجا آدم شیرین هندی نیز یافته داخل این عهد می نمایند که فردا هر فسادی خود حمایت کننده داشته باشند حضراتی بدون این اتحاد هر یک برای فساد طلی کافی اند با وجودیکه عشیره نداشته و یک نفر واحد پیش نبودهند العیاذ بالله از آن زمانیکه صاحب عشیره شوند

حریف مجلس ما خود همیشه دل میبرد علی الخصوص سکه پیرایه بر او بستند و شروط مندرجه شرط نامه بموجب ذیل است

(۱) هرگاه کسی از حضراتیکه در این عهد که به عربی او را حلف میگویند شریک باشد و کشته شود دوپست لیرا از قاتل او بگیرند ثلث آنرا بورقه مقتول داده دو ثلث دیگر فهاین خودشان قسمت شود

(۲) اگر از جماعت منجمده کسی را بکشد جمیع مایعین یکدست شده دفع آن را نموده و آن خون را باجال کنند ولو شهادت ناحق بدهند

(۳) اگر مقتول صاحب عقیقه باشد که درحلف شامل شده و یا از عشایر اعراب بادیه باشد که نتوانند آن خون را باجال کنند جیمت و اتحاد کرده از هر نفر مقدار قلبی جمع نموده وجه دینه مقتول را بدهند و از جمله شروط آنها یکی هم این است که یکدیگر را حمایت کنند تا هر جا باشد حق به شهادت ناحق و قسم دروغین

لها بسیاری از او باش داخل این عهد جدید شده اند بخيال اچکا کر آدم گفتم یققران بیشتر حصه بر من نمی آند و اگر زدی کردم هم قسمهای من شهادت به تبریه دمه ام داده مرا انجام می دهند و اگر کسی را اذیت رسانم



مزار حلیت کنندند بدارم قائلند از اینکه بر خود آنها  
قتل زیادتى صادر میشود چنانچه در اصواب مغایر و  
(حلف) قتل و قتال و نزاع و جدال از اهل مدن و  
تمدنین زیادتى است

دولت علیه عثمانی همیشه سى و کوشش دارد که  
مردم را از عزیت و وحشت بسوی مدنیت و السانیت  
بکشاند این هیئت جدید سى دارند که مردم را بسوی  
وحشت و تعرب سوق دهند

عجبتز این که در خانه ..... این مطلب انجام  
گیرد و خود و پسرش هم داخل این حوضه شوند نظر  
بشرکت ایشان بسیاری از تاجر زادگان رغبت نموده  
داخل این حلف شده اند از استرالیایها و ماژندرانها  
و آقا زاده ..... و آقا زاده ..... شیرازی و بسیاری  
دیگر لذت برك و عجم که کنجایش ذکرشان نیست و  
پسران سید ..... کلمیرى وغيره

افسوس این است حضرات حاجى زاد که آدم کش  
نیستند رغبت نمایند در امریکه مقصود اسیلخان دیگر  
است نتیجه این خواهد شد که هرپها هرروز فساد کنند  
حضرات جریمه دهند چنانچه شروع هم شده . تاکنون  
این مطلب مخفی است مسلماً اگر رجال دولت علیه عثمانی  
متذکر شوند رفع این قائله را بسرعت خواهند کرد  
چه در آینده این امر مصدر فسادات عظیمه خواهد  
گردد.

حصة دوم از تلخیص حقوق دول

فصل نالت

(دایر به امتیازات اجانب است در ممالک عثمانی) .  
§ (۲۳۳) همانگونه که در مملکت با قواعد حقوق  
دول، موافق احکام و معاهدات منعقد با تبعه اجانب  
معامله میشود در ممالک عثمانی نیز رفتار میشود ولی  
در میان دول سائر معاهدات مستند به اساس معامله  
متسلویه است مانند انگریز و فرانسه و یا آلمان و  
روسیه - ولی عهد عقبه که بین دولت عثمانی و دول  
سائر موجودست بعضی مواش مبنی بر این اساس  
نبوده اش سهل است که حاوی بعضی احکام است که  
بمقتوی حکمرانی برمیخورد . لهذا اجانب در معاملات  
عدلیه حائز امتیازاتی میباشند که در هیچ طرف ممالک  
اروپا و چین جواز نتواند بود

ماعت آنکه در ممالک شرقیه اینگونه امتیازات  
به اجانب داده شود چیزی نیست که از طرف دولت  
عثمانی بروز نموده باشد بلکه دول شرقی اروپا که قبله  
از دولت عثمانی بوده پذیرفته و این میراث بد را  
جبهه دولت عثمانی بیادکار گذارده اند ولی چنان مینماید  
که طلب و قبول اینگونه امتیازات در آزمانها از نتایج  
ضروریة معاملات و مناسبات اجانب در ممالک شرقی  
اروپا بوده است

(در اینجا لازم است نبذی از معاهدات و معاملات)  
(قبل از فتح اسلامبول نکاشته آید)

§ معلومات مختصره تاریخیه آنکه سیصد سال قبل از  
فتح اسلامبول بنای امتیاز دادن به اجانب شده است  
و اسباب و نتایج آن

در قرون وسطی تبعه هیچ دولت تا دارای  
رخصت مخصوص از جانب دولت محلیه نمی بود داخل  
مملکت آن دولت شدن نمیتوانست تا در آنجا مشغول  
تجارت شود حتی فباین ممالک شرقی و غربی اروپا از  
مرعبت این قاعده در مناسبات تجاریه از طرفین بطور  
فوق العاده دقت میداد و باوجود آن در میان ممالک  
شرقی و غربی اروپا مناسبات تجاریه بکلی منقطع نبود و  
گاه گاه بموجب مآذونیت موقت سفائن تجارتن بسواحل  
طرفین آمودشد مینمود . با همه اینها در آن زمان نسبت  
بممالک شرقی اروپا از مدنیت بسیار عقب مانده بود  
و اشیائیکه از شرق بممالک غرب میرفت خیلی بیشتر  
از اشیائی بود که از آنجا بشرق می آمد . پس معلوم میشود  
که اروپا بتجارت شرقی در نخستین درجه محتاج بوده  
و بالطبع تجارت در میان این دو مملکت بجزراً بوقوع  
می آمد و از این معامله اروپائی استفاده زیاد مینمود  
خاصه شهرهاییکه در سواحل ایتالیای واقع بودند و  
در میان اروپائیان اهالی (وندیک) و (ینزا) و  
(اماضی) و (جنوه) در فن ملاحی و تجارت دریائی  
ممتاز بودند و سفاین آنان بسواحل مصر و شام و  
اسلامبول و ممالک مربوط به اینها آمودشد و کسب  
ثروت و پسر فوق العاده نموده و رفته رفته از حکومت  
محلیه جبهه وقوف و تجارت دائمی مآذونیت تحصیل و  
در آن زمان از بحالات مخصوصه شرقی بالاستفاده  
باستحصال امتیازات زیاد نائل گردیده بودند حتی در

سایه قوه بحریه که بدست آورده بود کلی بنای مذاخه به امور سیاسی مملکت هم تقارده و از آن گذشته بعضی یا یکدیگر برخی با حکومت محلیه قیام بمحاربه مینمودند پس جبهه جلب نظر دقت الالابصار نتایج مضره و قوتی عیبه آمیز تاریخیه که از نتایج امتیازات متنوعه محصله (جنوزیان) وسائر اجانب و تمکن آنان در غلطه یمن در طرف مقابل اسلامبول که اینک محله از محلات اسلامبول بشمار می آید بمحصول پیوسته بر وجه آنی درج مینمایم

قبل از سال (۱۱۵۵) میلادی اهالی ایتالیای که به اسلامبول و ممالک مربوط به آن آمدوشد مینمودند امتیاز وسیعی را مالک نبودند و (جنوزیان) را نیز جبهه اقامت دائمی محل مخصوص نبود در آن تاریخ حکمران اسلامبول که (امانوئل قومینوس) بود کان نمود تملیف و تحصیل مواخات و دوستی (لاتینها) یمنی فرنگان با مقاصد سیاسی و منافع ملکی او موافق است لهذا دربارۀ فرنگان که در اسلامبول بودند به تزید مساعدت قیام و از سر نو محل جبهه اسکونت دائمی آنان تخصیص نمود

در آن حین رئیس اهالی (چینوه) سفیری نزد حکمدار مشارالیه فرستاد مکه اگر با ما معاهده منعقد بنماید پس از آن چنانچه از طرف بعضی از اهالی جنوه و یا دیگران جبهه ضبط قطعه از ممالک شما که حین الحقاد معاهده ملک هستید و یا در آنی حائز آن خواهید شد تعبثی بوقوع پیوندد اصلاً و قطعاً به آنان معاونت و مشارکت نموده و اگر بقطعه از قطعات مملکت شما که (جنوز)ها در آن قطعه سکنا دارند از طرف تسلط بوقوع رسد و یا خود آن اراضی در تحت محاصره در آورده هود جنوزها بیکه در آنجا سکنا دارند جبهه وقایه حقوق شما آن اراضی را محافظه و (جنوز)ها بیکه بهما ونسبه شما ایرات ضروری نمایند بجزاها بیکه (بزالوها) مجازات میشوند دچار و در حین ظهور اینگونه افسال جبهه آنکه حکومت جنوه بمقتضای حقانیت رسیدگی نمایند و هم قبول نمودن برخی شرایط بیان - و از برای آنکه قصوری در ایضای عهد تمساید عیناً در جمع سوگند باد نمودن را اختیار نمودند

از این معنی دو سال گذشت و بن حکومت یزانیس و جنوه معاهده منعقد گردید که خلاصه مندرجات او بوجه آنی نقل میشود

به جنوزیان در میان اسلامبول یک محل بازار و یک اسکله و یک کلیسا داده شده و جنوزیان در اسلامبول صدی چهار و در سائر ممالک مربوطه بقراریه لاتینان رسم گمرک میدهند آنان نیز ادا نمایند و در جمیع ممالک (یزانیس) اموال جنوزیان از تعرض مصون بوده و سفاین جنوه با کمال آزادی آمدوشد و اجرای تجارت نمودن توانند - و اگر از جنوزیان جرمی صادر شود از دیگر طرف رسیدگی بمحاکمات آنان جایز نبوده در سائر حکومت در محضر اقربا و متعلقات حکمران محاله اراده کفیل تا صدور حکم توقیف لغووند و اگر از شده و اصحاب جرائم بعد از اراده کفیل عاجز باشد تا اقتضای محاکم محبوس و مقید شود

سفیر جنوه نیز بالمقابلیه (قومینوس) عهدنامه آنی را که قبلاً نقل میشود اعطا نمود

منکه (امپقوده مورتا) سفیر شهر جنوه میباشم به (امانوئل بوفیر دینتوس قومینوس) و عهد مینمایم که با (جنوزیان) هیچوقت نه قولاً و نه ضلماً و نه باخلاق و شرکت یک حکومتی و نه بواسطه یکی از افراد به هیچ چیزیکه سبب ضیاع املاک مغارالیه و یا اختلاف او تواند شد (سواى مستملکاتی که در سوریه داریم) تعبت نموده و سبب ضایع شدن هیچگونه حقوق اولشده و دربارۀ جنوز باینکه از جانب او شکایت شود کار پردازان یا خلوص نیت که بمقتضای حقانیت اجرا نمایند و سفرای او که بمملکت ما ارسال مینمایند مظهر حسن قبول شوند - و شاید یک دسته کشتی که مرکب از صد قطعه بوده باعد مملکت مغارالیه را استیلا و محاصره نماید جنوزیان که در آنجا مقیمند غیر از بیست نفر که جبهه محافظه سفاین خود شان لازم است باقی افراد کشتی را با اجرتی که معتادست به عمله لاتینی داده و آنان را بسفینه های او سوار و در غلبه دشمن سوق شوند کار پردازان جنوه و هم اهالی جنوه جبهه رعایت این شروط سوگند یاد نموده و تصدیق مینمایند تا هنگامیکه مغارالیه عهدیکه با آنان نموده رعایت نمایند جنوزیان نیز بدین عهد باقی اند (باقی دارد)

شرح اجرت طبع کتب وغیره

§ اعضای مطبع بعرايط ذیل برای طبع هرگونه کتب عربی - فارسی - اردو - وغیره حاضراند

§ ( اول ) - اجرتیکه ذیلا در نرخ نامه معین شده فقط برای نوشتن و یا حروف چیدن و طبع کردن کتاب است - قیمت کاغذ و اجرت صحافی و جلدبندی وغیره بذمه مالک کتاب میباشد - ولی اجزای مطبع حاضر اند که بهر قسم دستور العمل داده شود تمویل نمایند

§ ( دوم ) مطبع ذمه دار است مطبوعات خود مطابق نسخه اصل است

§ ( سوم ) - میزان يك جزو را چهار صفحه یا دو ورق جلدالتین قرار داده ایم - امم براینکه همان قطع را چهار صفحه یا هشت صفحه و یا شانزده صفحه قرار دهند يك جزو محسوب خواهد شد - اگر اندکی یعنی تا نیم ( پنج ) - ربع گره قطع کاغذ کم یا بیش باشد همین اجرت محسوب خواهد بود

§ ( چهارم ) حروف درشت و متوسط و ریزه از ملاحظه لوحه اخبار جلدالتین ظاهر میتواند شد

§ ( پنجم ) - خط مطبوعات سنگی مطبع امم از نسخ - نسختلیقی - شکسته - مطابق خطوط متوسطه مطبوعات بمبئی و سایر بلاد هند خواهد بود

§ ( ششم ) - برای مدت طبع بعد از تصفیة تمام امور فی جزوی ده روز مقرر است

§ ( هفتم ) نصف اجرت طبع پیش گرفته میشود و نصف دیگر پس از اتمام نصف ( منبجر مطبع )

• نرخ نامه •

فی جزو	حروف ریزه	حروف متوسطه	حروف درشت خطی
هزار نسخه	ده رویه	هشت رویه	هفت و نیم رویه
پانصد نسخه	هشت رویه	هفت رویه	پنج و نیم رویه

مکتوب قصه نما

( شماره ۲ )

§ ای مرغان ! عزیز پدر من مردی کهن روزگار بود - و از نشاندن این سرو مطلع - گفت وقتیکه حکیم پارسی ( زردشت ) از یزدان درخواست خوشبختی پیروائش کرد از مینوی روان این شاخه سروش فرستادند که بنام شاه ( کشتاسب ) در خاک کن - تا آنکه این خانه همیشه چون مینوماند - شاهد حال شعر حکیم ابوالقاسم

فردوسی است

- § یکی شاخ سرو آورید از بهشت
- § بدروازه شهر ککمر بگشت

حکیم حق پرست بعد از هبوط از معراج فکر شاخ سرو را بدست درست کرداری و اعتدال در خاک نشاند - و کلماتی گفت که بیانش بزبان پارسی مخلوط امروزی این است

ای آورمزد باک بدون هیچ مزدی - بامر تو این درخت داداست که بنام شاهنشاه عزیز ایران در خاک مینوماند - نوازش نگاهبان باش از جلبش امر یمنان و دست برد دیوان - و از جای نکند این درخت را هیچکسی مگر آنکه ریشه اش بر کنی - و روانش را باروان پادشاهان خود رای روبرو کنی - که این بزرگ تقریبی است - وقتی که از نشاندن سرو فارغ شد مبین دستور جا مناسب را بخواست و گفت درین قطعه خاک آسایش گاهی تواند روی خود نشان دهد که این درخت بر جای باشد - و قطع کننده این درخت دیر نباید و ریشه زندگانش از دست طبیعت کلیه قطع شود چون من این حکایت از پدر در خاطر داشتم وقتیکه بست پایکان بار خلافت نظر پادشاه را معطوف بخزای خانه آسایش و بنگاه آرامش مرغان پر شکسته کردند - و پادشاه بدون تأمل و تدقیق رفیق آراه ایشان شد - من محقق داشتم که قول پدرم که مردی صادق و امین بود که من میتوانمم بکلمه او اعتماد کنم در کاهیکه خبر داد بیانات آنحکیم یزدان پرست را که قطع کننده درخت چنین و چنان شود - یقین قطع داشتم که واقع شدن واقع میشود و قوه منتقمه و کفه الهیه بواسطه استخفافی که درباره او شده است دست انتقام از آستین جلالت روزی بیرون کند - این بود که هر چه مرغان بنفرین دعوت کردند طریق سکوت گرفتم - و هر چه رفیقانم بطعنه بخونی جانمراشیدند بتبدیل مسلک رضا ندادم زبان در دهان شکستم - و پای ثبات فشرده و در پیرامون سرو قطع شده لغستم - چون میدانستم که این روزگاری است اندک - که مزدکیان را شریعت رواج است - و قبادی گرفتار سوء مزاج - بزودی عدل نوشیروانی ظهور کند وصیت کسرائی جهان معمور دارد - و آتش بغیرت خدائی خانان بسوزد سراز

بیدولتان که خانه دولت خود را دستخوش خراب  
خواستند و بربرندگان بی‌خانمان ترحم نکردند .  
(یکی بر سر شاخ بن میبرد)

سبحان الله خیلی مشکل است موازنه حال حکمای  
قدیم و فلاسفه امروزی . و مشوار علمای غرب و  
سلوک واللمندان شرق حکمای فرنگستانرا مزاج بر  
خلاف فلاسفه ایرانست . و این نقطه باتفاق راجع  
به نقص آکنابست . صرف نظر از چهره نمائی کلی که  
خارج از بحث ماست . چرا وقتیکه علم صورت کمال گرفت  
همه جا یکنک است و یکمزاج - و ظهورات وجودی  
در هر جا با اشکال و تمینات متفاوت در صورت تمامیت  
بحث از یک کله میکنند - این قصه موقوف به تفصیل  
است فلسفه غرب یا شرق در صورت تمامیت اختلافش  
اختلاف لفظی است . و حکمت و قوف در منطقه اعتدالست  
در هر یکا که باشد . و منطق نگاه دارنده ذهن از خطا .  
و فصاحت نشان دادن موضوع شیرین و کواری برای  
سامعه - و علم (من حیث آله علم) بنوع کلیت و اخلاق  
من حیث آله اخلاق در جنوب و شمال و شرق  
و غرب یکیست (کانه کوكب درى بوقد من شجرة  
مباركة زيتونه لاشرقیه ولاغریبه )  
شاخ کل هر جا که میروید کل است

مرجعیتی را مشوار سلم است بسیره اسلام  
اگرچه گفته سکسری را در آتش مقام است ولی  
میشوید که برای او برد و سلام است . اگرچه درین  
مقام بعضی تشکیکات دعوت بسط مقال میکند -  
ولی مرفان در انتظارند و رفیقان وقت شنیدن تحقیقات  
خارجی ندارند . فرض در نقص آکنساب بود و سوء  
استعمال کله

حکمای غرب در حالتیکه استکشافات مادیة و  
مضویه دارند باندازه که میتوان خارقه حادث و موجیه  
همه گونه دعوت گفت - بواسطه تمامیت آکنساب یا  
حسن استعمال - قوه - مدعی هیچ مقامی نمیشوند ولی  
بدبختانه مردم ما ناچارند بواسطه نقص آکنساب که  
گفتم سلباده ملکات فاضله است لاعماله مدعی بعضی  
مراتب شوند - در اول وجه که تمامی از آسمان  
علم بر شجره وجود شان در آید تا به تابع پیش آمد قوم  
شود سبحان الله

§ روا باشد اناللق از درختی \*

§ چرا نبود روا از نیک بختی \*

ای بیچاره حکیم - ازین تحقیق خشک چه بیرون  
آمد - واقه ثم واقه بوجود بحث که عین این کله من  
هم خلی از مفاد واقعی است - که هزاران سال ممکن  
بخواهد با تحقیقات فکری واجب بفنساند از هابره  
امکان بیرون است - و شناخت او - و واجب تصالی  
را گاهی است که کله از میان برداشته شود بهرحال -  
اگر این مسائل در فلسفه ایران داخل نشده بود و  
قضیه توجه مرید بر رشد و تبلی و نین پروری در میان  
نیامده بود ما مردمان هوشمند و بزورکان صاحب کند  
خیلی داشتیم که شکار انسان را سینه بسینه آموخته اند -  
و جامه مرقع از بی تذللی ما دوخته - اگر این مردم  
بخواهند قضایای آتیه و خطوب مسلمه را به پیشگاه  
سلطنت با بیانات خوش آیند عنوان کنند میتوانند -  
ولی افسوس ! که و ساوس شیطان و اغراض قضای  
میگذارد که شخص انسانی در طلب زند - و رسوم  
ادب کیره - و باندازه طفل مکتب هندسه کار بشناسد -  
که اگر درخانه روز جمعه به برادران کوچک و خواهر  
کان عزیز خود تعدی کرد روز شنبه لاعماله متعدی  
واقع میشود - اینکه از علما بختی درین موقع بیان  
می آمد چون از قضایای مسلمه است که خوشبختی چیست  
در بجه قدرت حکمت تودیع شده است نه بفصول  
اصول - مثلاً موجد خوشبختی ملت فرانس (ولتر)  
است - که از سلسله حکما است پیشین کوئی میکند - بک  
کاغذی به پادشاه وقت می نویسد صورت این کاغذ را  
در چند سال قبل یکی از دوستان که مثلش مثل کوكب  
دری است نه شرق است و نه غربی بن فرستاده  
است (باقی دارد)

➤ ترجمه از روزنامه (واقی یلاق) لاهی

(ظلمت باسبی)

میزهائی که وسط آنها سنک باقیمت (اونیکس بوژیل)  
است و ملبت کاربهای مبل و آینه ها وغیره نشان میدهد  
که تاچه درجه در تکمیل آنها اهتمام شده و کارخانهای  
فرانسه در تکمیل صنایع خودشان بجه اندازه کوهیده  
اند - قلعه های ابریشمی ایرانی و شال و سنایر پارچه  
های مشرق زمین با نقاشهای خوب که نصب دیوار

کذاشته اند و در هرکوشه این اطاق روی ستونهای مرمر و ازهای بلند چینی است و روی (بوفت)ها نیز کلدان و بشقابهای چینی قدیم بطورهای قشنگ چیده شده است جالب نظر دقت اند

از نایب و شمارز و فرمختم سفارت دولت ایران خواهش کردم که مرتبه دویم و سیم سفارت را بمن نشان بدهد بعد از قبول از پلهها نیکو بهمان ترتیب مرتبه اول است و معجزهای مطلا و فرش قرمز دارد بالا رفته بدلیل مرتبه دویم که با قالچه بسیار قشنگ فرعی و دیوارهای آنجا با تابلوهای رنگ روغنی دورتا ترین شده رسیدم درب اول در دهلیز اطاق ایرانی است که پرده و فرش و دیوار و روی مبلهای آنجا سبز رنگ و از پارچههای ایرانی هستند چهل چراغ بزرگ در وسط این اطاق با آینه قشنگ و اسباب روی بخاری رونق ضربی باین رنگ و پارچههای ایرانی میدهد پهلوی این اطاق دفتر خانه سفارت است یکه از خارج نیز تحریر و غیره دیده میشود اسکرچه هادی من چیزی نکفت ولی استنباط کردم که برسم سیاسی میخواهد شخص خارجی داخل آنجا نشود ولی بواسطه صرف نظر از دیدن آنجا شد خواهش من برای دیدن اطاق خواب جناب وزیر مختار مقبول افتاد تعریف این اطاق و سلیقه که به خرج داده شده خارج از بیان و تصور است نامی پرده و رنگ دیوار و سایر اشیای این اطاق پشت کلی رنگ و مبلهای آنجا هم از تخت خواب سه دری و آینه و میز صندلی و اسباب روشنی و غیره از چوب (اقاشو) (چوب سرخ) و فل کاریهای بروز است و در هرکوشه های تمام اینها گل بروزی (ستیل) لونی شانزدهم گذاشته شده اند و در وسط اطاق تختی که روی آن قالچه ابریشم ایرانی است گذاشته شده و حلوان نیز ایرانی (رحل) و در روی آن کتانی با جلد قشنگ مذهب جالب نظر دقم شد پس از تحقیق معلوم گردید که قران است و ایرانیان هر روز صبح قدری از آن میخوانند

در این مرتبه بزرگ ترین اطاقها طالاری است که از هرجهت تمامی اشیاء لازمه آنجا بسلیقه بسیار خوب مهیا شده پردههای نخل کلی و فرش قرمز آنجا

های طالار شده اند چهپوا خیره میکرد. و از صنایع ایران با اروپائیان آگاهی میدهد. شمال بزرگ پادشاه ایران که آنهم در قاب بزرگ سفید منبت و طلاکاری است زینت صدر این طالار ممتاز شده مجسمه اعلیحضرت معظم هم روی میز دیگر گذاشته شده است کلدانهای خیلی بزرگ و ازهای قشنگ بر قیمت که کتبه روی آنها نشان میدهد که از کلدانهای قصر و روسای فرانسه است (مقر سلاطین قدیم فرانسه) ساعت و سایر اشیاء نفیسه بر صنعت اسباب زینت این اطاقند جامی خیلی خوب مطلا بطور مرغوب گذاشته شده که در میان آن حاتم و میناکاریهای ایران و روسی و سایر متبقههای مشرق زمین با یادگارهای کونفراس صلح صومی (لامی) و تاجگذاری امپراطور روس است محل تماشاست در میان آنها جبهه هم دیده شد که دارای کلوکسیون پولهای طلا و قره و مس و انواع کاغذهای قدیم و تازه دولت روس است یکمرتبه آنهم کلوکسیون صورت سلاطین قدیم روس و فرنگستان میباشد

( اطاق نهار خوری سفارت ایران )

درب بزرگی از سالون باز داخل اطاق نهار سفارت میشود که همه چیز آنجا اشیا انگیز است رنگ دیوار زرد طلائی پردههای آن نخل کلدان زرد و فرش ایرانی دارد و دو طرف بخاری مرمر دو قطعه (بوفت) خیلی بزرگ منبت کاری اعلی گذاشته شده که از پشت جامهای آن اسباب قره روی میز و جای و قهوه دیده میشود تمامی این مبلههای اطاق و درب پنجره های آنجا رنگ روغنی چناری دارند و روی بیست و چهار صندلی که از اطراف میز بزرگ چیده شده تماماً نخل سبز اند همه اینها حتی آینه و چهل چراغ بسیار قشنگ آنجا ستیل است روی دیوار در مقابل آینه بزرگ روی بخاری از قالچه های ممتاز ایرانی است که از یکطرف آنها و از طرف دیگر تا بلوها و یادگارهای تاجگذاری امپراطور روس که با بهترین وجه نقاشی شده اند اطاق مذکور را خیلی دلچسب و قشنگ کرده است روی بخاری این اطاق ساعت بزرگ با شمعدانهای (بروز) که از روی اسباب روی بخاری قصر (کامپین) سلاطین قدیم قرابله ساخته شده اند و شاخهای آن به ترتیب بوته گل سرخ و جلجلی شمع آنها مثل گل سرخ ساخته شده

بارك آسمانی طالار مذکور را بسیار باشکوه  
سکوده است

در مرتبه سیم خانه سفارتی اطاقهای مخصوص اجزا  
ویک اطاق بزرگ برای مهمان که تمام آنها باندازه بزرگی  
مرتبه دوم است بطور خوب فرش و میبیا شده و  
منظر این اطاقها بسیار باشکوه و فرح افزا  
هستند

مکتوب وطن پرست ایرانی از سویس

(عطف باسابق)

§ پارسال روز نامه رسمی ایران صورت دخل و  
خرج قرضه را اعلام فرمود. و نشان داد که دولت وجهی  
گرفته هفتاد پنجسال مدتی قرار داده که از واردی کمکات  
به پردازد. و کمکات هم بعلاوه پرداختن اقساط قرض چند  
برابر بر وارداتش افزوده شده و تسکین قلب عموم مردم  
گردید. لکن جیماً از اصل مسئله دور افتاده ایم اولاً  
واردی کمک و تزاید او را مسیونوز از حکیمه  
توت خود بدولت نداده ملتها بطور نظام  
جدید از روی حق و مساوات رفتار نموده - از  
کیسه ملت آنچه در آمده بعد از آنیکه بقدر احتیاج  
میل فرموده اند زیادی را تقدیم دولت و خزانه کرده  
اند - اصلاً خوب نخواهید بدانید اقلاً یکصد و  
دوازده سال است که واردی دولت و کمکات بهمین  
منوال بوده و مأمورین برای یک پیاز هزاران کونه  
بدولت ضرر زده یکی مسیو (کتابچی) خان شده و دیگری  
مشهدی عباس علی کرک چی کرده - و ما نتوانستیم  
هر مدت شصت سال دراز که و حشیان هم برای افریقا  
هم تمدن پیدا کرده اند و بطور راحت زندگانی نموده  
بدون منازعه شصت نفر قانون دان و حسابدان مثل  
ملت ژاپون تربیت نموده که عنان اختیار کمکات مملکت  
که از اسرار خاصه دولت است به اجانب ندهیم

حقیقت این مقال بعد از چندی شهادت خواهد  
داد که اهل ایران به یتند مسیوفلان در بزرگ ترین  
بانکهای فرنک مبالغ هنگفت سپرده و ایران را پریشان  
و سرگردان کرده است

باری از مطلب خود خارج نشویم دولت و ملت  
ایران چهل کرور قرض دارند و این قرضه اگر از  
قرار صدی ده باشد و تنزیل هر تنزیل باند هفت

سال و صد روز دو چند خواهد شد  
از قرار صدی نه هشت سال و شانزده روز  
صدی هشت نه سال و دو روز  
صدی هفت ده سال و هشتاد و نه روز  
صدی شش یازده سال و هفتاد و پنج روز  
صدی چهار و نیم یازده سال دویست و هفتاد  
سه روز

کان ما بر این است که این پول را از قرار صدی نه  
کمر نکرده باشند چه خود دولت روس آنچه وجه  
از دولت جمهور فرانسه قرض گرفته و میگیرد از قرار  
صدی شش است طاقت ما هم از قرار صدی شش  
حساب خواهیم کرد یعنی تومانی یکشاهی کتر اگر از قرار  
صدی نه که تومانی سه پول است حساب کنیم سال  
اول دولت ایران فقط برای تنزیل باید سه کرور و  
سیصد هزار تومان بدهد علاوه سالی دویست و شصت  
و شش هزار شش صد و شش تومان و شش هزار و  
سیزده شاهی اصل که باید کار سازی شود

یعنی اول ماه ذیحجه الحرام چهار کرور شصت و  
شش هزار و ششصد و شصت تومان شش هزار و سیزده  
شاهی برای اصل و فرع باید به پردازیم بمباره اخری  
سال اول روزی پنج هزار و ششصد و پنجاه تومان میشود  
سال دوم قدری سبک تر سال سیم رو به تنافس  
میگذارد و اگر از قرار صدی شش بوده باشد که  
موضوع تومانی یکشاهی است کتر میشود همین قسم  
هر قدر تنزیل را کم حساب نمایم ازین میزان کلیه که ما  
گرفته ایم کتر میشود

خلاصه حال دو سال است دولت ایران دست  
باستقراض زده چهل کرور قرضدار شده ایم اگر بدین  
منوال تا بیست سال بگذرد اصل و فرع زیاده از  
ملیون کرور مقروض خواهیم شد آنوقت است که  
کار مثل حاله بلغار شود یا . . . . .

اگر بگویم مسافرت اعلیحضرت شهریاری این  
قدر مصارف داشت عین خطاست چه در بلاد معظم  
فرنک رسماً مهمان بودند دو سال قبل مسیو (لوه)  
رئیس جمهوری فرانس از کیسه خود نود هزار فرنک  
خرج مسافرت شاهانه و کرایه شمنده فر کرد -  
اگر وجه قرضه اولیه بموجب اعلان رسمی برای ادای

فروض بود که دولت در سابق داشت پرداختند - پس استقراض اسمال برای چه بود - اگر برای کسر مواجب است - دولتیکه شصت سال در کال صلح و امنیت گذرانیده و مرکوزه مملکت را براهداران اجانب بخشیده دیگر اینقدر امیر تومان و سپهسالار و صاحب منصب لشکری لازم ندارد که در سرحد جبهه‌خانه و توب و تنگ را بهراج بفروشند

خلاصه گذشته‌ها گذشت و ملت مقروض ماند اگر اولیای دولت بخواهند نام ننگ بر خود نگذاشته ادای قرض به نمایند هیچ راه تجارتنی جز این نیست که درین سفر اعلیحضرت شهریارى تهیه یک مدرسه زراعت مفصلی با ماشین و آلات و معلمین جدید خیلی ممتاز دیده در ممالک و سیمه ایران یک مکتب زراعت در جوار شیراز یا اصفهان باز نموده که از ممالک هند و افغان و هرستان و بلوچستان اطفال و رجال برای تحصیل بیابند و یادگار این سفر بگذارند چنانچه رسم است این عمل خیر را برسم سوقات برای ابنای وطن بیاورند .

من در خمار زکس مست نکارو او

همی زتیر غمزه بدوزد شکار خویش

(خیر خواه ملت - حیدر بقداى)

حقیقت را نمی شاید نهفتن

(از شماره ۴)

جمله مترضه

در پاریس کارخانه ایست که مشروبات و مکینات ترتیب - میدهند جمیع مبالها و مبرزهای پاریس در اجاره صاحب آن کارخانه میباشد و مبالهای منازل پاریس مانند اصفهان همگی در کوچه هاست - علی الصباح همراه های صاحب کارخانه از آهن صندوقی در روی آنها نصب شده آمده و خرطومی را که یکسراو در میان آن صندوق آهن است و سر دیگرش را بملج کفازده و با تلمبه جمیع نجاسات را از چاه در آورده و میبرند در کارخانه شیره آنها را میکشند و از تراشهای چوب هم جوهری کشیده مخلوط آن مینمایند و با کل مرخی که در یکی از کوهای فرانسه معدن دارد رنگین نموده و به اطراف عالم جبه فروش میفرستند و اینک بلكه محل فروش آن بعضی از شهرهای ابرالست

آیا علما اینمى را تلمه در دین نمیدانند؟ آیا دفع این تجاوزات دشمنانرا واجب نمى شمارند؟ ارض اقدس مشهد مقدس و کار پردازان اجانب با آن سلطه و مطلق الثانی - دولت علیه عثمانی با آنکه در ناف اروپا واقع است تا امروز جواز نداده که کار پرداز اجانب یعنی کار پردازى سواى مسلمان وارد کاکلمین و کربلا و نجف و سامره و مدینه و مکه بشوند - اینها هم از شومی افکار و ارتکابات برخی از متمدین دولت بظهور پیوسته و میپيوندند - اگر علما و ملت اندکی هم وقترا بفنلت بگذرانند دین و دولت محو و ممالکمان پایال تجاوزات اجانب خواهد کردید بلی قلعه نرفر که در چندین هزار سال محفوظ بود از بختبری و بلکه همراهی بعضی از درباریان بدون آنکه دولت آگاه شود و از دماغ کسی قطره خونى جاری کردد بتصرف دولت همسایه آمد مانند فیروزه و قابوس که بتصرف همسایه دیگر داده شد و الاسلاما! و شریعتا! و دنیا! و مذهب! و دولت! و وطن! - و واملتا!!!!

کوش اگر کوش این کران کوشان و ناله اگر ناله من نفس گرفته ( آنکه البته بجهانی نرسد فریادست ) عیا اجتهاد و خدمت بدین منحصر و مخصوص مسائل حیض و نفاس و نجاست و طهارت است - آیا مسئله دفاع از میانه مرتفع گردیده -

ای علمای اسلام که هرکوشه دنیا سقید امروزه با وسیله و توسطنامه مقدس بهمه همسایان مرض مینایم تا در دیوان ککبریا نتوانید اظهار عفر نماید اگر ابران خدای نا کرده بدست دیگران اقتد خاطر جمع باشید دیگر هیچ دولت و امارت اسلامی در دنیا بجا نخواهد ماند و همگی محو خواهند کردید و حفظ ایران بر جمیع مسلمانان کره ارض فرض و واجب است ای علمای عظام اگر بر این حوزه اسلام دیگران استیلا نمایند دیگر در اجتهاد شما اثری نخواهد ماند - آیا هیچ تعمق و تفکر بحال علمای تفتاز و جاوه و سایر جاها مینمایند که ابدأ قادر بر اجرای حکمی از احکام شرع نیستند یا آنکه هنوز دو دولت معظم اسلام و چندین امارت که تواند حمایت از مسلمانان نمایند موجودست عطف نظر به جانب مهربان نماید با آنکه هنوز از امارت‌های اسلام بشمارى آید در بر تو دیگران

کار بجای رسیده که مستورات اسلام از پرده برون ناخته و در قهوه و شرابخانه ها در روز روشن و در حضور هموم ملل خاصه مسلمانان رقص و خوانندگی مینمایند ای علمای اعلام و ای ائبان امام علیه السلام بی پرده و خوف بوجه دیانت بر حسب تکلیف دیاتی خود عرض مینمایم که حفظ دولت اسلام بر همه فرض و لازم است ویژه دولت ایران زیرا موقع جغرافی این دولت بسیار مهم است اینکه دشمنان ملمحوس که همسایه ممالک عروسه اندیک باره بر ایران نمی نازند - اینست از وضع اماره دولتی مادرست آگاه نیستند ولی هر يك خواسته باشند اندك تجاوزی نمایند سبب خواهند شد که میزانه پولتیک اروپا بك باره واژسکونه شود و صرفه نخواهند برد

پس هنوز که فرصت در دست است خودسازی و دفع مهالك بسیار آسانست

( عقل کرد آرید و ابازی کلید )

هموم بیگدیگر دست اتحاد و اتفاق داده علما و دولت بایکدیگر عقد وفاق بسته و کسانیکه خار و بلکه سد طریق ترقی دین و دولت و ملت اند بجای خود نشانده و ملت را از حال دولت و دولت را از حال ملك و ملت بیساکهانید

ملاحظه فرمائید کسانیکه خدمت روزنامه هارا در نظر دولت خیانت جلوه داده و مانع انتشار آنها میکردند بحق حق و بهر آیینیکه از اول دنیا در میان جلس بشر بوده و هست سوکنند که دشمن دین و دولت و ملتند زیرا مسلم هر دانات که اهالی ایران جز بعضی از خواص هموماً نکارشات روز نامه را حکایت نوش آفرین کوهر شاد می انکارند و اکثر مندرجات او را دروغ میندازند ولی این دشمنان دین و دولت چون دیدند که ذات مقدس اعلیحضرت ظل اللهی روحنا فداء توجهی درباره مطبوعات دارند و این دائره وسعت خواهد یافت محض آنکه بکتم خیانتهای خود دسترس کردند در نظر اقدس همایونی خدمات آنان را بخیانیت تفسیر و بی ادبی بك جاهل را سر رشته و ضمیر قرار داده از دخول جمیع نامه های فارسی بویژه جبل المنین مانع آمدند تا دولت از کجی و ناراستی آنان آگاه نگردد و با ملاحظه نمودند زیرا چنان مینداشتند که روزنامه مقدس هم

مانند دیگر روزنامه ها در سایه الغامت برخی که شاکوئی آنرا در عهد داشتند جلوه طلوع یافته ولی ظالم از آن که چون نامه ایست مقدس و از لوث ارتشبابك و مبرا مسلمانان كره ارض هموماً بجان خواهان اویند و این نور منطقی نمیکردد و بمفاد آیه کریمه خداوند بر دوام خواهد داشت ( هر آنکس تف کند ربغش بسوزد )

باری در شماره چهارم امسال نامه مقدس مقاله در خصوص ثروت معادن ایران نگاشته شده بود ولی در نمره بیست و پنجم معلوم شد که حریران آگاه بهر شیوه که بود یا بخاطر خواهی و یا برشوه و اشتباه کاری و یا ... تحصیل امتیاز معدن حوالی زهاب را نمودند و در نامه مقدس اظهار تأسف زیاد فرموده بودید مخلص عرض میناید با همه غبن فاحش بل افش که در این امتیاز طراست باز صد هزار مرتبه بهتر از امتیاز راه شوسه رشت و راه آهن شاهزاده عبدالعظیم و بانکهای استقراضی دولت همسایه است که در تمام ایران پراکنده شده اند زیرا دولتیکه این امتیاز را گرفته کبابی و شرکت است پس از کشف معدن نفت اگر سالی ده ملیون لیرا از آنجا حاصلات اخراج نماید دو ملیون او را ب مردم ایران که در آنجا من دور و کار کنند خواهد داد و هشت ملیون هم دو ملیون را بدولت علیه ایران میدهد که اهالی و دولت ایران از این کنج پنهان که هیچوقت در فکر اخراج او نبودند با مسامی دیگری چهار ملیون منتفع شده اند و کبابی هم غش ملیون برده است راه شوسه و آهن و بانکهای استقراضی آندیگری کل یوم ثروت آماده ما را از چنگ مابدر برده و نقل به وطن خود مینمایند و ریفته ما را به آب میرسانند من چه گویم در همه ده زنده کو

سوی آب زندگی پوینده. سکو

باری امیدواریم صاحب ثروتان وطن مقدس ما را این امتیاز نازیانه غیرتی کرده - در سدد تحصیل امتیاز از هر بار اقدس شهر یاری برآمده و از این کنجینه های مستور در خاک بك وطن مانند سایر ملل بهرور کردند در اینجا لازم دیدیم جبهه آگاهی هموطنان محترم مقاله موسیو ( او بر ) فرانسوی را سکه در خصوص منافع معادن نفت نگاشته است بنکاریم



نخست باید دانست که سوخو (اوبر) از علنای  
دانشمند و آگاه فرانس است و در سابق دارای  
کارگذاری یعنی مأموریت سیاسی فرانسه در همین  
ترانسوال که ذکرش سبقت و مدح آقوم نجیب جمور  
گفته بود آمده است (باقی دارد)

داستان روسیا

(از شماره ۲۴)

چندی بود که بدخواهان (پتر) به امپراتور پیمانه چنان  
وا نمود میکردند که از رنجوری تو (پتر) شادمانست و کان  
میرود که تورا زهر بخوراند. و از این رو امپراطور پیمانه  
از (پتر) چنان بود و در میان مردم چنان زبان زد بود  
که با او بد خواهد نمود و بایستی دروغ بودن این  
سخن را ب مردم بنماید اینهم بخوبی و آسانی انجام یافت  
یکی دو روز پس از آن امپراتور پیمانه رشته زندگانش  
کست و پس از بیست و یک سال پادشاهی و سروری  
سر به تیره خاک کشید و در سال هزار و صد و هفتاد  
و پنج ره نوره آسرای گردید

(پادشاهی پتر سوم)

چنانکه نگاشته آمد پس از مرگ (الیزابت)  
پادشاهت بدون گفتگو به (پتر) رسید و به آئین روس  
از همگی میان گرفته و پس از نشستن بر سر  
پادشاهی با آنکه همگی آماده آن بودند از او کارهای  
تا روا سرزند بجای آن آرامی و سنگینی و روش  
نیکی و کردارهای دلجو از او بروز نمود بیایه که همگی  
در شکفت ماندند بویژه بازن خود (کترینه) که آماده  
هر گونه کفر و سیاست بود نیکی نمود در کارهای  
بزرگ با او گفتگو میکرد و بکسانی که بدخواه او بودند  
نیکی نمود و از کردار ناشایست آنان چشم پوشی کرد  
و هر کس را در پایه خود گذارده و بکسی سختی ننموده  
و زشتی نرساند کارهایش آنگونه پسندیده بود که  
همه مردم بدو رام شده و مهرش در درونها جایگیر  
شد و بزرگان را که گذشتگان از پای تخت رانده بودند  
همگی را بخشیده و بیای تخت خواند که یکی از آنان  
(پیرن) بدکار بود، دیگری جنرال (مونیخ) نام آور  
که بیچاره بیست سال - - گرفتار بود و برخی  
دیگر که همگی بی در پی به پترسبورگ می آمدند و  
این رفتار او مایه خوبی همگی گردید و در آن روز

سال جزال (مونیخ) بهشتاد و دو رسیده بود و در  
جنکها کارهایها نموده مردی جنگ آزموده بود و  
اورا بی هیچ آنگ و سکنای به (سبریا) که سرزمین  
دهشتناک بی آب و گیاهی است رانده و گوشه نشین  
نموده بودند. روزگاری که در (سبریا) میزیست پوشاکش  
پوست گوسفند بود پس از در آمدن به پترسبورگ  
باسی و هون از فرزند و فرزند زامگان خود که همراه  
داشت بازارگاه امپراتوری رفته ستایش و سپاس پادشاه را  
بجای آورد امپراتور نیز اورا کرامی داشته و نوازش  
بسیار نمود و ازین رو مردم در ستایش امپراتور هم  
دل و هم زبان گردیدند پس در همه کشور روسیا  
نام امپراتور به نیکی بلند شد اما چندی نگذشت که  
خوبی زشت گذشته خود را پیش نهاد نموده و بازن  
بدکاره که دل داده او بود سازگام گذاری کرده و  
پنج شبانه روز از سرای بیرون نیامد پس آوازه در  
شهر پیچیده بهر کوی و برزن این سخن در دهن  
هر مرد وزن افتاد یکی از نیک خواهان درگاه (خود  
و دیگر) نام زدهش رفته گفت دوباره مردم را درباره  
خود بدکان و روش پیش را اختیار نمودی و انجام این  
گونه رفتار مایه نکوهش و دشواری است امپراتور از  
این سخن بی تاب شده چاره جوی نموده. گفت از  
برای این بخروزه که از کار دست کشیده ام چه بهانه  
آدم آن نیک خواه در ستکار دو کاغذ که دستور  
نگاشته و به او سپرده بود بیرون آورده و به امپراتور  
داد و گفت بخودی خود به (انجمن کنکاش -  
سناتور) برده و بکنکاشیان داده فرمان دهید که  
ب آنچه در اینها نگاشته است رفتار نمایند تا آنکه مردم  
چنان انکارند که در این بخروزه شما در اندیشه کار  
بوده و از برای کار زیردستان اندیشه میفرموده  
اید امپراتور بی آنکه نگاه نماید در کاغذها چه نگاشته  
شده بی توانی کاغذ را بر گرفته و نام خود را نگاشته  
و (سناتور) آورده یکی از آن دو فرمانی بود که در او  
نگاشته شده بود که بزرگی و سروری و سپهداری ویژه  
نیکی نژادان باید باشد و از برای آن دستوری دور  
و دراز نگاشته شده بود - و دیگری فرمان برهزدن  
انجمن بود که پنهان از چند کس فرام نموده  
بودند که بکنده کسانی که درباره پادشاهان ستم و بدی